



WWW.JAMEJAMDAILY.IR

جایزه

روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران



Sunday - 2020 April 5

سال بیستم - شماره ۵۶۲۷

صفحه ۱۲

۱۱ شعبان ۱۴۴۱

یکشنبه ۱۷ فروردین ۱۳۹۹



نه! این قرارمون نبود

با وجود همراهی مردم برای قرنطینه خانگی طی هفته‌های قبل ازدحام و شلوغی خیابان‌ها در روز گذشته نگرانی‌ها نسبت به افزایش شیوع کرونا را تشدید کرد

عکس: چاووش همایونی/جام جم

پایتخت ۶ زیر ذره بین منتقدان، نویسنندگان کارشناسان رسانه، کارگردانان و جامعه شناسان

پایتخت غیرمعمولی

رویکرد پایتخت به خانواده چه تغییری کرده است؟!

فیلمنامه فصل ۶؛ ضعیف یا متفاوت؟

ماجرای شوخی‌های نامتعارف پایتخت

بررسی ادعاها درباره سانسور سریال

گفت‌وگو با سیروس مقدم، کارگردان سریال

خط قرمزها را رد نکردیم



۵ و ۴

۶



گفت‌وگوی کافه میرداماد با مهدی فخیم‌زاده درباره نوع مواجهه با کرونا

تجربه واقعی‌ترین افسانه هستی

۸



از ادعای کمک به ایران تا سرقت محموله‌های بهداشتی در فرودگاه‌های بین‌المللی

ماسک دزدی آمریکا سرگردنه

۲

نکاه

موفقیت زیست بوم فناوری و نوآوری در مواجهه با کرونا ویروس

کووید-۱۹ به هر کشوری پا گذاشت تحمیل مرگ و تعطیلی، بحران کمبود لوازم بهداشتی همچون شست‌شو و دهنده‌ها، مواد ضد عفونی کننده، ماسک‌های نانو، دستگاه‌ها و تجهیزات پزشکی را به همراه داشت.



پرویز کرمی

سخت‌گو و رئیس مرکز ارتباطات و اطلاع‌رسانی معاونت علمی و فناوری

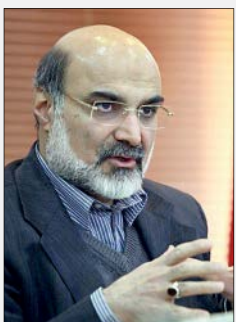
ایران اما با یکاد پریشکی کارآمد و ابتکار و همت نوآوران و فناوران در یک همکاری بین‌بخشی و در زیست‌بوم فناوری و نوآوری شکل گرفته طی این سال‌ها با کمک معاونت علمی و فناوری که در آن شرکت‌های دانش‌بنیان، دانشگاه‌ها و مراکز علمی و نیروی انسانی خلاق و متخصص با فراهم کردن شرایط مناسب برای رشد زیست بوم، خود را برای روزهای بحرانی به هر شکلی آماده و قوی کرده بود. فتوحات جهاد علمی و فناوری در دوران تحریم در روپایی با کووید-۱۹ باعث شد این زیست‌بوم رفع و تعدیل نیازهای فوری کشور را در دستور قرار داده و موفقیت‌هایی را کسب کند. با همت جوانان خلاق، شرکت‌های دانش‌بنیان، شرکت‌های نوپا و همیاری همکاری مردم توانستیم تولید ماسک نانورای افزایش چرخه تولید و همچنین تولید ماشین‌آلات مورد نیاز برای تولید ماسک بالا ببریم و چند برابر کنیم، همچنین به کمک دانش‌بنیان‌ها کیت تشخیص کووید-۱۹ ایران ساخت به فوری‌ت و با استاندارد بالا تولید شد و در زمینه ساخت و عرضه داروهای ویژه رفع کفنه‌ها و خدمات کرونا به بدن نیز توانستیم خیلی سریع عمل کنیم.

در این شرایط یک شرکت دانش‌بنیان دیگر نیز با استفاده از حمایت‌های معاون علمی و فناوری، تولید مهم‌ترین تجهیز مقابله با کووید-۱۹ یعنی دستگاه وینتلاتور، مهم‌ترین دستگاه‌های سی‌یو را روزانه به ۳۵ عدد رساند تا در این زمینه نیز آمادگی لازم برای مقابله با این ویروس ناشناخته را داشته باشیم. هنگامی که ایران شروع به رفع نیازهای داخلی کشور کرد، کووید-۱۹ به بحرانی جهانی است باعث شده هیچ کشوری حتی اگر می‌خواست هم، چیزی برای صادر کردن به دیگر کشورها نداشته باشد. زیرا هر کشوری که بتواند روی پای خود بایستد بی‌شک بحران را بهتر و آسان‌تر پشت سر گذاشته است. متأسفانه آن چنان که در رسانه‌های غربی و بین‌المللی شاهد هستیم، در شرایط کنونی بسیاری از کشورهای توسعه یافته در مواجهه با کووید-۱۹ به سالمندان و قشر آسیب‌پذیر اولویت درمان نمی‌دهند، اما خوشبختانه و با عنایت الهی در ایران نیازی به اولویت بندی بیماران پیدا نکرده و نخواهیم کرد.

مبارزه با کرونا در حوزه آی‌تی و هوش مصنوعی نیز موفقیت داشت. امروز سامانه هوشمند تشخیص کووید-۱۹ نیز توسط محققان یک شرکت دانش‌بنیان از دانشگاه صنعتی شریف و با همکاری دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور و معاونت علمی و فناوری رونمایی شد. یکی از بهترین روش‌های تشخیص کووید-۱۹ که دقت بیشتر و هزینه کمتری دارد استفاده از هوش مصنوعی و بهره‌گیری تصاویر سی‌تی‌اسکن قفسه سینه برای تشخیص ذات‌الریه کووید-۱۹ است. در این سامانه که به عنوان دستیار متخصص رادیولوژی فعال شده است، سرعت و دقت شناسایی بیماری بسیار بالا است. هوش مصنوعی باعث می‌شود تا در روند تشخیص این بیماری، خطای انسانی که بر اثر خستگی و کار زیاد در تیزر بالا و فشرده به وجود می‌آید به صفر برسد. سامانه هوشمند تشخیص کووید-۱۹، اطلاعات زیادی در زمان کوتاهی به دست می‌آورد، همچنین آرتشیومی‌کنند و در پایش، بررسی و تصمیم‌گیری به متخصصان کمک می‌کند. همچنین این سامانه به صورت آماری و دقیق میزان ابتلای فرد را تشخیص داده که خود برای درمان دقیق بیمار بسیار با اهمیت است. سامانه تشخیص ذات‌الریه کووید-۱۹ بر اساس پزشکی نوین و هوش مصنوعی شکل گرفته است.

با صدور پیامی صورت گرفت

قدردانی رئیس رسانه ملی از همکاران صداوسیما



رسانه ملی توانستند با آرایش رسانه‌ای متناسب، حفظ انسجام و بهره‌گیری از نوآوری و خلاقیت در زمینه‌های مختلف آموزشی و آگاهی بخشی، تولید و پخش توصیه‌ها و نکات مهم بهداشتی در قالب‌های گوناگون و متنوع رادیویی و تلویزیونی و اطلاع‌رسانی لحظه به لحظه به مردم، نقش و جایگاه مؤثری در زمینه کنترل این بیماری داشته باشند. از سوی دیگر، راه‌اندازی «مدرسه

تلویزیونی ایران» که شبکه‌های آموزش و چهار سیمایز تدبیر و تمهیدی مناسب برای ادامه فعالیت مدارس و دانش‌آموزان در این ایام بود که با استقبال و رضایت مسئولان آموزش و پرورش، دانش‌آموزان و خانواده آنها همراه شد.

در این میان، تولید و پخش سریال‌ها و برنامه‌های نمایشی جذاب، پخش فیلم‌های سینمایی، برنامه‌های مستند و مسابقات سرگرم‌کننده نیز باعث شد تا تلویزیون در این روزهای سخت همراه و عاملی برای در خانه ماندن مردم و پر کردن اوقات فراغت آن‌ها در کنار خانواده باشد.

در حقیقت، امروز نیز تلاش مجاهدانه شما همکاران رسانه ملی در کنار مردم و مجموعه پزشکی و درمانی، صفوف مقدمی را در ایران اسلامی ایجاد کرده است که ایثار، فداکاری و جهاد فی سبیل... را در سنگر رسانه، معنایی تازه بخشیده و دستاوردهای ارزشمندی را برای حفظ سلامت ملت بزرگ ایران به ارمغان آورده است.

بر خود وظیفه می‌دانم از تلاش بی‌دریغ و بی‌وقفه شما کارکنان متعهد و خودم رسانه ملی در حوزه‌های مختلف ستادی و تولیدی و به ویژه همکارانی که با حضور در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی در خط مقدم این جبهه حاضر شده‌اند، تشکر و قدردانی کنم، هرچند که زبان در وصف و ارج نهادن به این تلاش و عملکرد خالصانه و ارزشمند، قاصر است. امیدوارم سال نو که مطلع آن متبرک به اعیاد شعبانیه است، با لطف پروردگار تعالی و عنایت حضرت سید الشهداء (ع)، سالی سرشار از سلامت، سعادت و سرپلندی برای ملت شریف ایران و خانواده بزرگ و سختکوش رسانه ملی باشد.

دیدگاه

خودمان دستور دهیم که؛ ما باید در خانه بمانیم! باید بیرون رفتن را به پایین ترین حد ممکن برسانیم و تا آنجا که ممکن است فقط برای کارهای ضروری و حیاتی از خانه خارج شویم. باید نکات ایمنی ساده‌ای مانند شستن مداوم دست‌ها و ضد عفونی کردن خریدها را رعایت کنیم. اینها همه به نفع خودمان و دیگران است. اینها همه... خسته شده‌اید؟ درگ می‌کنم همه خسته شده‌ایم اما به خودمان یادآوری کنیم همه این کارها به مراتب ساده‌تر است از این که هر کدام از ما عزیزانی از دست بدهیم یا شاهد رنج و غم دیگری و دیگری باشیم که عزیزان دست می‌دهند...

ایجاد خواهد شد. حالا ما علاوه بر حفاظت و مراقبت از خود و عزیزانمان یک وظیفه انسانی مهم روی دوشمان داریم. بله. در خانه ماندن دشوار است، این که مدت طولانی خود را در خانه زندانی کنیم طبعاً دشوار و خسته کننده است، اما هر کدام از ما باید مرتب از خودمان بپرسیم که در خانه ماندن دشوارتر است یا خدایی ناکرده از دست دادن عزیزانمان! این که مدام می‌گویید و می‌گوییم که در خانه بمانیم یک توصیه معمولی نیست، باید برای همه مان یک تصمیم جدی باشد. باید هر کدام از ما آن را مدام با خودمان تکرار کنیم و اصلاً در این یک مورد به

گروه رسانه

به گزارش روابط عمومی رسانه ملی، دکتر علی عسکری در پیامی از مجاهدت همکاران سختکوش رسانه ملی قدردانی و تأکید کرد: همکاران توانمند حوزه‌های مختلف رسانه ملی توانستند با آرایش رسانه‌ای متناسب، حفظ انسجام و بهره‌گیری از نوآوری و خلاقیت در زمینه‌های مختلف آموزشی و آگاهی بخشی، تولید و پخش توصیه‌ها و نکات مهم بهداشتی در قالب‌های گوناگون و متنوع رادیویی و تلویزیونی و اطلاع‌رسانی لحظه به لحظه به مردم، نقش و جایگاه مؤثری در زمینه کنترل ویروس منحوس کرونا داشته باشند.

وی با اشاره به برنامه‌های رسانه ملی با بیان اینکه تلاش مجاهدانه شما همکاران رسانه ملی در کنار مردم و مجموعه پزشکی و درمانی، صفوف مقدمی را در ایران اسلامی ایجاد کرده است که ایثار، فداکاری و جهاد فی سبیل... را در سنگر رسانه، معنایی تازه بخشیده است، نوشت: بر خود وظیفه می‌دانم از تلاش بی‌دریغ و بی‌وقفه شما کارکنان متعهد و خودم رسانه ملی در حوزه‌های مختلف ستادی و تولیدی و به ویژه همکارانی که با حضور در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی در خط مقدم این جبهه حاضر شده‌اند، تشکر و قدردانی کنم، هرچند که زبان در وصف و ارج نهادن به این تلاش و عملکرد خالصانه و ارزشمند، قاصر است. متن کامل این پیام به شرح زیر است:

زنگی و کار در رسانه، بدون عشق به مردم بی‌معناست و این آموزه ارزشمند را همکاران، هنرمندان، مجریان و خبرنگارانی به ما آموختند که سلامتی و جان خویش را در راه مردم و اعتلای کشور و نظام جمهوری اسلامی به خطر انداختند و حتی عاشقانه آن را فدا کردند تا ایران اسلامی همواره بر قله اقتدار، سرپلند و پابرجا بماند و پیام جهانی اسلام و نوع دوستی ایرانیان را در دنیا طنین انداز کند.

حوادث و رویدادهای پرتلاطم سال گذشته و ویژگی‌های منحصر به فرد نوروز ۱۳۹۹ که با شیوع بیماری کرونا، تعطیلی مدارس و تغییر سبک زندگی با محوریت شعار «در خانه بمانیم» همراه شد، فعالیت رسانه‌ای سازمان صداوسیما را با برخی محدودیت‌ها، در حوزه تولید و البته گستردگی فعالیت‌ها با هدف اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشی به مردم مواجه کرد؛ اتفاقی ناگوار و پیش‌بینی نشده که نیازمند مدیریت هوشمندانه رسانه‌ای و عملکردی متناسب با شرایط پیش‌آمده بود.

بمحمدالله درمصاف با این رویداد، همکاران توانمند حوزه‌های مختلف

سخت است ولی...

روزهای سختی است.

همه در حال مبارزه اند و تلاش می‌کنند تا سلامتی خود و اطرافیان را حفظ کنند. همه می‌خواهند زندگی آرام تر و آسیب‌های کمتری را برای خود و دیگران ایجاد کنند. حالا فکرتش را بکنید در این شرایط خاص و دشوار اگر مردم در هر جای دنیا در صدد مبارزه با ویروس و رعایت کردن موارد ایمنی نباشند، چه آسیب بزرگی



کوروش تهامی

بازیگر

یادداشت

نوروز شنیدنی در رادیو



دکتر حمید شاه‌آبادی معاون صدا

نامگذاری سال جدید به نام «سال جهش تولید» عین شد با کرونا و فضای متفاوتی که در کشور ما وجود دارد. طبیعتاً این مساله بر کنداکتور برنامه‌های رادیویی تأثیر جدی داشت و از اوایل اسفند تغییرات در برنامه‌ها را دستور کار قرار دادیم و ستاد کرونا در معاونت صدا شکل گرفت و بیش از ۱۳۶۶ ساعت برنامه برای پخش از همه شبکه‌های ملی و سراسری تولید و پخش شد. همچنین طبق سال‌های گذشته همکاران من در شبکه‌های رادیویی برنامه‌های متعددی دیگر همچون نوروز صبا را رادیو صبا در حوزه طنز همراه بودیم. در حوزه همراه بود اقدامات ویژه رادیو نمایش و اداره کل نمایش‌های رادیویی عنوان مثال برنامه دکه در رادیو اقتصاد، برنامه عید با شمار رادیو ایران و برنامه‌های متعدد دیگر همچون نوروز صبا در حوزه طنز همراه بودیم. در حوزه مسابقه می‌توان به برنامه یک دو صدا رادیو ایران، حریر سخن رادیو فرهنگ و شب‌های قرنطینه رادیو تهران اشاره کنم، مستندهای روایی مجموعه‌ای بود که از آرتشیو موجود تولید و پخش شد. همچنین مستندهای رادیویی همچون روستاگرد از رادیو تهران، فرزنانگان فرهنگ از رادیو فرهنگ و برنامه پنجره از رادیو معارف برنامه‌های گفت‌وگو محور و مجلات ترکیبی مانند فرش بنفشه در رادیو ایران، برنامه پاسخگو از رادیو سلامت و بدون انقضاء از رادیو گفت‌وگو که عملکرد خوبی داشتند را می‌توان نام برد.

در مجموع بیش از ۱۹۸۰ ساعت تولید ویژه نوروز در قالب ۳۳۶ عنوان برنامه و ۳۳۳ قسمت طراحی نوروزی ما در معاونت صدا بود که همکاران پر تلاش با وجود معضل همه‌گیری کرونا که همه درگیر آن بودند توانستند به سرانجام برسند. این در حالی است که استودیوهای محل خوبی برای رشد کرونا است و همکاران ما در فضایی سخت کار را انجام دادند، زیرا به خاطر نحوه تهیه برنامه‌های رادیویی برای استفاده از ماسک و دستکش با محدودیت‌هایی روبه‌رو بودند. رادیو نوروز نیز فعالیت خود را از ۲۰ اسفند شروع کرد و به خاطر تمدید شرایط خاص حاصل از کرونا تمام شبکه‌های رادیویی و رادیو نوروز تا ۲۲ فروردین فعالیت خود را ادامه خواهند داد. اجرای موسیقی‌های زنده و موضوعات متنوع و متعدد مواردی بود که از رادیو نوروز به سمع مخاطبان رسید و به شدت مورد اقبال عموم قرار گرفت. همچنین با توجه به تعطیلی کلاس‌های درس و غیر ضروری شدن کلاس‌ها یا به پای شبکه آموزش و شبکه ۴ سیما، شبکه‌های رادیویی نوروز، جوان، فرهنگ و قرآن دروس علوم انسانی را طراحی کرده و آموزش دادند. امسال با توجه به محدودیت‌هایی که برای راهیان نور در نظر گرفته شده بود از روایان نوردر فضای مجازی اجرا کردیم. در حوزه اطلاع‌رسانی برنامه قرارگاه در شبکه جوان ارتباط خوبی را برقرار کرد.

در بخش کتاب مجموعه ایران‌صدا بیش از ۲۵۰۰ عنوان برنامه را در ایران‌صدا داریم و روزانه بیش از ۴۰۰ هزار نفر با میانگین ۳۷ دقیقه در روز مطالعه کتاب دارند که این آمار بسیار قابل قبول است. کتاب‌های ویژه‌ای همچون رمان‌های قدیمی و کتاب آب‌هرگز نمی‌میرد شهید سلگی که از سرداران شهید این ایام بود و از امروز پخش آن آغاز می‌شود از جمله اقدامات ایران‌صدا است. برنامه ویژه ۱۰۰ ثانیه با کتاب در شبکه‌های فرهنگ، تهران و پیام کتاب را در صد ثانیه معرفی کردیم و مخاطبان می‌توانستند با ارسال پیامک امکان دریافت کتاب را داشته باشند مهیا کردیم.



خبر

روحانی: فاصله‌گذاری اجتماعی هوشمند می‌شود

رئیس‌جمهور در جلسه‌ای با رؤسای کمیته‌های اجتماعی، امنیتی، آموزشی، اداری، بهداشتی، آموزش عالی، پشتیبانی، اصناف و اقتصادی ستاد ملی مقابله با کرونا، میزان تاثیر اجرای مرحله دوم طرح فاصله‌گذاری اجتماعی را برای اجرای مرحله سوم این طرح با عنوان «فاصله‌گذاری هوشمند اجتماعی» مورد ارزیابی و بررسی قرار داد.

حسن روحانی در این جلسه با تاکید بر این‌که رؤسای کمیته‌های گوناگون ستاد ملی مبارزه با کرونا موظفند ارزیابی دقیقی از میزان تاثیر تشدید برنامه فاصله‌گذاری اجتماعی انجام بدهند، گفت: باید برای دوره بازگشایی پس از اطمینان از ایجاد وضعیت تثبیت شده در مدیریت مقابله با کرونا پروتکل‌های متنوع و مختلف با دقت نظر در تمامی حوزه‌ها طراحی و متناسب با هر کسب و کار اجرا شود.

رئیس‌جمهور با بیان این‌که طرح فاصله‌گذاری اجتماعی با تبدیل به فاصله‌گذاری هوشمند ادامه خواهد یافت، افزود: ما مرحله اول و دوم آن را اجرا کرده و موفقیت‌های خوبی داشته‌ایم و الان در مرحله سوم آن‌که اجرای فاصله‌گذاری هوشمند اجتماعی است، قرار داریم و مختصات آن باید مشخص و مدون باشد.

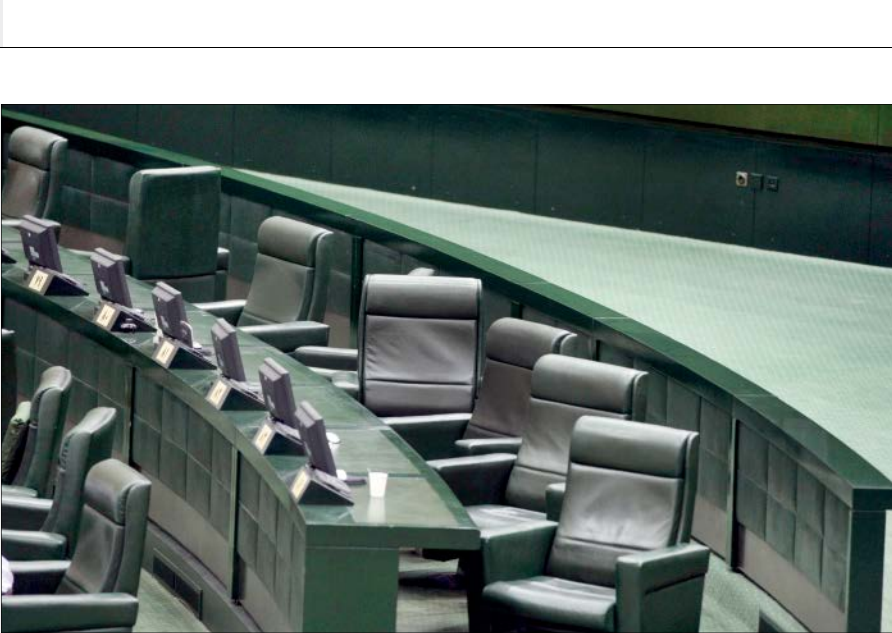
روحانی ادامه داد: پروتکل‌های بهداشتی باید به گونه‌ای طراحی شود که همه مردم اعم از ارباب رجوع، کارگر و کاسب بدانند و مطمئن باشند در محیط کار و بیرون از خانه با رعایت این پروتکل‌ها می‌توانند درصد بالایی اطمینان خاطر داشته باشند که از سلامت برخوردار خواهند بود.رئیس‌جمهور خاطرنشان کرد: باید اطمینان حاصل کنیم که از چه زمانی دانش‌آموزان ودانشجویان می‌توانند باسلامت کامل به مراکز آموزشی مراجعه‌کنند؛لذا رؤسای کمیته‌ها باید با روش‌های دقیق، مطالعات و ارزیابی‌های لازم را انجام بدهند تا براساس آن ستاد ملی مقابله باکرونا تصمیمات لازم را اتخاذ کند. روحانی با بیان این‌که باید در نظر داشته باشیم که اگر کرونا برای مدتی باقی بماند باید آن را به گونه‌ای مدیریت کنیم که زندگی مردم با مشکل توأم نباشد، گفت: نباید بدون مطالعه و دقت نظر تصمیم گرفت؛ مردم باید بدانند هر تصمیمی که در دولت گرفته می‌شود مبتنی بر مطالعات دقیق علمی و با مشورت همه متخصصان است.



به دنبال شیوع بیماری کرونا جلسات علنی مجلس از چند هفته قبل برگزار نشده است

دعای رهبر انقلاب برای سلامت لاریجانی

در پی ابتلای رئیس مجلس شورای اسلامی به بیماری کرونا، حجت‌الاسلام والمسلمین محمدی گلپایگانی از طرف رهبر معظم انقلاب اسلامی ضمن جویا شدن آخرین وضعیت درمان آقای دکتر لاریجانی، برای وی دعا و آرزوی سلامت و بهبود کرد. براساس اعلام روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، علی لاریجانی پس از ابتلا به بیماری کرونا در حال حاضر در قرنطینه‌ی خانگی به‌سر می‌برد و در حال گذراندن مراحل درمان است.



تعطیلی جلسات مجلس در اوج بحران کرونا انتقادات زیادی به همراه داشته است

استندبای مجلسی!

✪ در این روزهای خپر خبر کرونایی هم از فعالیت‌های درمانی و مدیریت بیماری می‌خوانیم و می‌شنویم و هم بسیاری از مسؤولان بیش از گذشته در میدان هستند. از مسؤولان مرتبط مانند وزیر بهداشت، وزیر کشور و فرماندهان نظامی گرفته تا مدیران استانی چون استانداران اما در این میان اگر حضور و پیگیری و جلسات علی لاریجانی به عنوان رئیس مجلس نبود، هیچ خبری از فعالیت‌های در میدان و موثر و نتیجه‌بخش بسیاری از نمایندگان مجلس نبود؛نمایندگانی که باید نقش آفرین این روزهای بحرانی باشند حضوروبروز چندانی ندارند. نمایندگان می‌گویند پروتکل‌های بهداشتی جلسات علنی را تعطیل کرده‌است، مردم پاسخ می‌دهند جلسات مجلس تعطیل شده‌است، وظیفه نمایندگان شما چطور؟! آیا این حرکت مصداق همان انفعالی و بی‌عملی برخی دوتمردان و نمایندگان مجلس در روزهای پایانی دوره مسؤولیت‌شان نیست؟!

گروه‌سیاسی

دیجیتال اداره کنیم و اطمینان حاصل شود که تعداد کافی

برای رای‌گیری‌ها و تصمیم‌گیری‌های کلان را داریم، فراهم نشد.

تبعیت از تصمیمات ملی

یکی از دلایلی که در این مدت برای تعطیلی مجلس عنوان شده، تبعیت این نهاد از تصمیمات ستاد ملی مبارزه با کروناست. محمدعلی وکیلی، عضو هیات رئیسه مجلس در همین زمینه به تصمیم ستاد ملی مبارزه با کرونا برای تعطیلی جلسات علنی مجلس اشاره کرده و گفته است: البته این جلسات مجازی که جعفرزاده‌به‌آن اشاره کرده محدود به دو سه جلسه بود که آن هم با حضور کمتر از صد نفر از نمایندگان مجلس تشکیل شد و به حد نصاب نرسید. محمد علی وکیلی، عضو هیات رئیسه مجلس دلیل حضور نیافتن جمع زیادی از نمایندگان در جلسات مجازی مجلس را اینگونه عنوان کرده است: اولاً برخی از نمایندگان به اینترنت متصل نشدند و مجموعه‌ای از مشکلات دست‌به‌دست هم‌داد و به لحاظ عددی به حد نصاب لازم برای این‌که جلسه رابه صورت

بین الملل

از ادعای کمک به ایران تا سرقت محموله‌های بهداشتی

در فرودگاه‌های بین‌المللی

ماسک دزدی آمریکاسرگردنه

قواعد دیپلماسی و بازرگانی میان کشورها درگیرد.
به عبارت بهتر، دلانان آمریکایی که بسیاری از آنها تحت نظر مقامات دولتی ایالات متحده مشغول به فعالیت هستند، ترجیح داده‌اند کمبود ماسک در کشورشان را با ربودن محموله‌های دیگر کشورها از طریق خرید آنها به قیمت بالاتر، آن هم پس از ثبت سفارش کشورهای اروپایی تأمین کنند!
گرچه سخنگوی دولت فرانسه مدعی شده است که اطلاعاتی در خصوص پیشدستی کردن آمریکایی‌ها در ماجرای خرید ماسک و تغییر مسیر محموله‌های متعلق به فرانسه به سوی واشنگتن ندارد، اما بروز تنش جهانی برسر دستیابی به ماسک را تأیید کرده‌است؛براساس گزارش‌های منتشر شده در رسانه‌های غربی، کشورهای که به صورت ناگهانی با ویروس کرونا مواجه شده و تعداد مبتلایان و قربانیان در آنها به صورت تصاعدی افزایش یافته است، هم اکنون با بحران ماسک رو به‌رو هستند.
بر این اساس، چهار کشور آمریکا، فرانسه، ایتالیا و اسپانیایی بی‌صبرانه به دنبال ماسک می‌گردند. رنوموزلیه

حنیف غفاری

دبیربین الملل

ماسک دزدی آمریکایی‌ها، به سوزه خبری ومهمی در رسانه‌های دنیا تبدیل شده است. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده که تا سه هفته قبل، ویروس کرونا را تمسخر گرفته بود و از آمادگی بسیار بالا و مطلق کنشورش برای مواجهه با این ویروس خبر می‌داد، هم اکنون برای تأمین مواد اولیه و حداقلی مانند ماسک، دستگاه‌های تنفسی و …. دست به دزدی محموله‌های بهداشتی و درمانی دیگر کشورها زده است.

ماجرای ماسک دزدی مقامات آمریکایی در اوج شیوع ویروس کرونا در ایالات متحده، آن هم از کشورهایی که متحد واشنگتن محسوب می‌شوند، به سوزه‌ای برای شمامت و حتی تمسخر ترامپ و دیگر مقامات آمریکایی تبدیل شده است. فرانسه نخستین کشوری بود که از دزدیده شدن محموله‌های حامل ماسک تنفسی توسط آمریکا خبر داد. این بسته‌ها، قرار بود از چین به پاریس ارسال و در کل فرانسه و خصوصاً مراکز درمانی توزیع شود. رادیو فرانسه در گزارشی تحت عنوان «جنگ ماسک» ماجرا را این‌گونه شرح داده است:

«سه نفر از مقامات فرانسوی مشتریان آمریکایی را متهم کرده‌اند که با پیش‌دستی و پیشنهاد قیمت‌های گران‌تر، ماسک‌های سفارش فرانسه را در فرودگاه‌های چین خریدند. دولت آمریکا این اتهام را رد کرده، اما به هر حال تقاضای شدید ماسک در سطح جهانی و تمرکز تولید در چین باعث شده که رقابتی بی‌رحمانه، بدون توجه به

درخواست اتحادیه اروپا برای تعلیق تحریم‌های آمریکا علیه ایران

وزرای خارجه اتحادیه اروپا خواستار تعلیق تحریم‌های اقتصادی آمریکا بر کشورهایی از جمله ایران در پی شیوع ویروس کرونا شدند. به گزارش ایسنا، اتحادیه اروپا از اجرای برخی معافیت‌های بشردوستانه حمایت کرد تا تحریم‌های اقتصادی اعمال شده بر کشورهایی همچون کوبا، ونزوئلا و ایران به تعلیق درآمده و این کشورها بتوانند در یک فوریت بهداشتی به تجهیزات پزشکی ضروری دست پیدا کنند.

توجهاتی که قانع‌کننده نیست

با این حال به کار بردن تعابیری چون آماده‌باش بودن نمایندگان،برگزاری دو سه جلسه نیم‌بند مجازی یا این‌که جلسات علنی مجلس بر اساس تصمیم ستاد ملی مبارزه با کرونا تعطیل شده است، باعث نشده که انتقادات نسبت به فعال نبودن مجلس در این ایام پایان یابد.

خیلی‌ها معتقدند اگرچه جلسات علنی مجلس در این ایام تعطیل بود اما این به معنی تعطیل شدن وظیفه قانونگذاری و نظارت مجلس که قرار است در اس امور باشد،نیست و انتظار جامعه این است که نمایندگان را نیز در کنار سایر بخش‌ها برای عبور کشور از این بحران، فعال ببیند؛ اما چنین فعالیتی دیده‌نی‌شود و اگر هم فعالیتی وجود داشته باشد برای جامعه ملموس نیست، همین مساله باعث شده تا فردی چون عزت‌ا… ضرغامی، رئیس پیشین سازمان صداوسیما به این نتیجه برسد که مجلس هم مانند مدارس تعطیل است! ضرغامی در مطلب خود در توئیتر نوشته‌است:مجلس می‌تواند مثل سایر نهادهای امدادی یا حداقل مثل مردمی عدم، از طریق فضای مجازی، نقش آفرینی کند و نباید در برابر مهم‌ترین چالش تاریخی کشور ساکت و منفعل باشد.

وقتی کرونا دامنگیر رئیس مجلس می‌شود

البته وقتی صحبت از مجلس می‌شود باید به پیگیری‌ها و رایزنی‌ها و جلساتی که علی لاریجانی، رئیس مجلس در خصوص بحران کرونا داشت هم اشاره کرد که نهایتاً هم اعلام شد خودش نیز به جمع کرونا مثبت‌ها پیوسته و اکنون در قرنطینه خانگی است.

ابتلای لاریجانی به کرونا فرصت مناسبی برای شایعه پردازان بود تا در این فضای پرخبر در فضای مجازی، مخاطب جذب کنند و در همین راستا شایعاتی در فضای مجازی منتشر شد که رئیس مجلس به‌کمترافته است. اما بهروز نعمتی، سخنگوی هیات رئیسه مجلس با تکذیب این خبر اعلام کرد لاریجانی همچنان در قرنطینه خانگی به سر می‌برد و شرایط جسمی او رو به بهبود و نسبت به روزهای قبل بهتر است.

نمایندگانی که انگیزه چندانی ندارند

اگر رایزنی‌های رئیس مجلس را کنار بگذاریم، سایر نمایندگان مجلس را می‌توان غایبان بزرگ میدان مبارزه با کرونا دانست و اگر هم غایب نبوده‌اند، حضور آنها چندان بروز و نمودی نداشته است. برخی تبلیغ‌گران سیاسی، قرار داشتن مجلس دهم در ماه‌های پایانی فعالیت خود را دلیل این مساله می‌دانند و معتقدند با توجه به این‌که فقط ۱۹ درصد نمایندگان مجلس دهم (۵۶ نفر) به مجلس یازدهم راه یافته‌اند عملاً مجلسی‌ها انگیزه زیادی برای فعالیت در واپسین روزهای فعالیت مجلس دهم ندارند. چنین فرضی در حالی مطرح می‌شود که هم به لحاظ اخلاقی و هم به لحاظ قانونی، هر فردی در هر جایگاهی که قرار دارد تا آخرین روز مسؤولیت خود باید به وظایفی که برایش تعریف شده عمل کند.

بین الملل

از ادعای کمک به ایران تا سرقت محموله‌های بهداشتی

در فرودگاه‌های بین‌المللی

ماسک دزدی آمریکاسرگردنه

قواعد دیپلماسی و بازرگانی میان کشورها درگیرد.
به عبارت بهتر، دلانان آمریکایی که بسیاری از آنها تحت نظر مقامات دولتی ایالات متحده مشغول به فعالیت هستند، ترجیح داده‌اند کمبود ماسک در کشورشان را با ربودن محموله‌های دیگر کشورها از طریق خرید آنها به قیمت بالاتر، آن هم پس از ثبت سفارش کشورهای اروپایی تأمین کنند!
گرچه سخنگوی دولت فرانسه مدعی شده است که اطلاعاتی در خصوص پیشدستی کردن آمریکایی‌ها در ماجرای خرید ماسک و تغییر مسیر محموله‌های متعلق به فرانسه به سوی واشنگتن ندارد، اما بروز تنش جهانی برسر دستیابی به ماسک را تأیید کرده‌است؛براساس گزارش‌های منتشر شده در رسانه‌های غربی، کشورهای که به صورت ناگهانی با ویروس کرونا مواجه شده و تعداد مبتلایان و قربانیان در آنها به صورت تصاعدی افزایش یافته است، هم اکنون با بحران ماسک رو به‌رو هستند.
بر این اساس، چهار کشور آمریکا، فرانسه، ایتالیا و اسپانیایی بی‌صبرانه به دنبال ماسک می‌گردند. رنوموزلیه

جنگ واشنگتن و اتاوا بر سر ماسک

در بحبوحه دزدیدن ماسک‌های متعلق به شهروندان فرانسوی و آلمانی توسط دولت آمریکا، واشنگتن بر خلاف تعهدات قبلی خود صادرات ماسک به کانادا را نیز متوقف ساخته است. در حالی‌که نگرانی‌های زیادی درباره شیوع سریع و گسترده ویروس کرونا در کانادا و کمبود تجهیزات پزشکی و محافظتی به وجود آمده، مقام‌های رسمی کانادا از اقدام دونالد ترامپ در ممانعت از صدور ماسک‌های ان ۹۵ برای استفاده پزشکان و پرستاران انتقاد کردند. جاستین ترودو نخست وزیر کانادا نیز در این باره عنوان کرده است: «ممانعت از صادرات تجهیزات پزشکی از طریق مرز یک اقدام اشتباه است. این اقدام می‌تواند یک تاثیر مخرب و منفی به همراه داشته باشد. تعداد زیادی از متخصصان بهداشت و سلامت کانادایی هر روز برای کار به دیترویت می‌روند.»

از فضای مجازی غفلت شد

ابوالفضل ابوترابی

نمایندهنجف‌آباد



در زمینه برگزاری جلسات مجازی مجلس ظرفیت‌های خوبی داشتیم که مورد غفلت واقع شد و تمام نمایندگان آموزش‌های لازم را در این زمینه دریافت نکردند. در عین حال به نظر می‌رسد برخی نمایندگانی که به دور بعدی مجلس راه نیافته و ماه‌های پایانی نمایندگی خود را می‌گذرانند انگیزه چندانی برای پیگیری امور ندارند. البته بنده در حوزه انتخابیه روزانه جلساتی را برای پیگیری امور مربوط به کرونا برگزار می‌کنم و معتقدم حضور در حوزه انتخابیه و پیگیری امور از نزدیک بهتر از نشستن روی صندلی‌های مجلس و فشردن رنگ‌های اعلام موافقت یا مخالفت با طرح‌هاست.

برخی کار را رها کرده‌اند

علیرضاسلمی

نمایندهمحلث

هر چند مجلس به دلیل کرونا قادر به برگزاری جلسات علنی نبوده اما طی این مدت سه بار از نمایندگان برای حضور در جلسات مجازی دعوت شد و هر بار صرفاً تعدادی از نمایندگان اعلام آمادگی کردند. از هشتم بهمن به بعد صرفاً یک جلسه علنی برگزار شده است و هر چند برخی نمایندگان در حوزه‌های انتخابیه خود پیگیر انجام امور مربوط به کرونا هستند اما در مجموع مجلس آن گونه که باید ظاهر نشده است. به نظر می‌رسد برخی نمایندگان با توجه به ماه‌های پایانی دوران نمایندگی‌شان و حضور نیافتن در مجلس بعدی کار را رها کرده‌اند.



رهبر انقلاب در دیداری که اعضای هیات دولت در شهر پیورسال ۹۵ (آخرین سال فعالیت دولت یازدهم) با ایشان داشتند درباره فعالیت در ماه‌های پایانی مسؤولیت اینچنین گفتند: این جوری فکر نکنید که مثلاً فرض کنید این دولت تمام می‌شود، آیا فردا من مسؤول این کار هستم یا نیستم، اصلاً این فکرها نباید باشد، باید تا لحظه، ساعت و روز آخر تلاش و کار کرد. ‏

ماسک‌های تنفسی، ۲۰۰ هزار ماسک سفارش پلیس برلین در بانکوک و پیش از بازگبری به سوی آلمان، متوقف و به سوی آمریکا تغییر مسیر داده است. این اقدام دولت آمریکا «دزدی دریایی مدرن» است. این ماسک‌ها در بانکوک تایلند ضبط و مصادره شده‌اند.» آندریاس گیزل، وزیر داخلی دولت محلی برلین نیز تصریح کرده است که ۲۰۰ هزار ماسک اف اف پی۲ که پلیس برلین سفارش داده بوده احتمالاً رهسپار آمریکا شده و این موضوع واقعیت دارد! مقامات شرکت ۳م پس از چند روز سکوت، نتوانستند در قبال این ماجرا سکوت کنند. آنها اذعان کرده‌اند که کاخ سفید با استناد به قانون کنترل تولید در زمان جنگ (که در دهه ۱۹۵۰ میلادی و زمان جنگ آمریکا باکره مصوب فرانسه همراه با تدابیر امنیتی استثنایی که همه صادرات خود را متوقف کند. این شرکت نیز ناچار به پذیرش درخواست دولت ترامپ شده است و استدلال مقامات آن مبنی بر این‌که هم اکنون وضعیت جنگی (آن هم به سبک و سیاق جنگ‌های کلاسیک) حاکم نیست، مورد پذیرش ترامپ و همراهانش قرار نگرفته است. اخیراً ترامپ تأکید کرده است که به با استناد به اختیارات قانونی خود مصوب در قانون کنترل تولید در زمان جنگ، تلاش کرده پاسخگوی نیازهای داخلی ناشی از شیوع ویروس کرونا باشد. این شرکت اعلام کرده است که ضمن متابعت از فرمان کاخ سفید نگران است که متوقف کردن سفارش‌های دیگر کشورها چون کانادا، علاوه بر تبعات منفی بر امور انسان دوستانه، به اقدامات متقابل از سوی دیگر کشورها بینجامد. اما ترامپ گفته است که قصدش از به کارگیری قانون کنترل تولید هنگام جنگ این بوده که به شرکت ۳م (تلنگری محکم) بزند!

رئیس‌جمهور آمریکا می‌گوید کشورش باید این امکانات (ماسک‌های تنفسی) را برای مقابله با ویروس کرونا در اختیار داشته باشد؛ این در حالی است که کاخ سفید در اجابت، موارد تقاضا شده در خصوص تغییر مسیر محموله‌های ماسک به سوی ایالات متحده را اتهام‌زنی کاذب دانسته و از خود در قبال این موضوع سلب مسؤولیت کرده بود!

خطر طغیان کرونا جدی است

کیانوش جهانپور، سخنگوی ستاد پیشگیری و مدیریت بیماری کرونا

دیروز، روز شانزدهم فروردین، بعد از پایان تعطیلات نوروزی، شاهد ترافیک و افزایش رفت و آمد در سطح پایتخت و دیگر شهرها بودیم. اگر حضور در جامعه یا بازگشت مردم از سفر ادامه داشته باشد، در روز بیست و سوم فروردین ماه

شاهد، پیک ابتلا به کرونا خواهیم بود.

لازم به یادآوری است که حضور مردم، فراتر از انتظار ما بود. ادامه این روند، نگران‌کننده است. مردم همچنان باید در خانه‌ها بمانند؛ زیرا بی توجهی به این مهم افزایش تعداد ابتلا، بستری در بیمارستان‌ها و حتی افزایش مرگ و میر را به همراه خواهد داشت.اگر این روند ادامه داشته باشد، ما در ستاد پیشگیری



نمازی از میدان نو حید عصر دیروز از عکس چاپش هما وندلی-جام جم

خیابان‌های شلوغ تهران دیروز حسابی توی ذوق زد. بعد از آن سیزده‌به‌د تاریخی به نظر می‌رسد این ازدحام موج جدید ابتلا به کرونا را رقم می‌زند

نه! این قرارمون نبود

❗ خیابان‌های تهران دیروز خیلی‌ها را شوکه کرد، خیابان‌ها با آن همه خودروکه کنارهم‌وول می‌زدند‌و‌روی‌آسفالت‌ها‌شرمی‌خوردند بهت آور بود. مگر می‌شد این همه خودرو را دید و بی خیال نشست. تهران شلوغ بود، شلوغ به معنی واقعی کلمه، باور نکردنی است ولی بود، سیلی از خودرو دیروز سرازیر شد در معابر و مثل شبخی

سرگردان همه جا سرک کشید. تهران دیروز ترسناک بود. این همه مردم که از خانه‌ها بیرون زده و اصول قرنطینه را زیر پا گذاشته بودند وحشت آور بود.

تهران دیروز ناگهان تغییر ماهیت داد و مردمش یکدفعه عوض شدند. مردمی که خیلی هایشان لاقل در طول نوروز در خانه‌ها مانده بودند ناگهان به خیابان‌ها آمدند. تهران دیروز روز پرتراפیکی داشت، تراپیکی شبیه روزهای معمولی سال و روزهای بدون کرونا، تراپیکی شبیه روز شانزدهم فروردین هر سال و این واقعا ترسناک بود. رئیس مرکز کنترل ترافیک پلیس راهور تهران بزرگ که تردهای صبحگاهی را گزارش داد دلمان لرزید. ما از ترافیک بزرگراه شهیدهمت در مسیر غرب به شرق از ستاری، شهید حکیم در مسیر غرب به شرق از خروجی ستاری، بزرگراه هاشمی رفسنجانی در مسیر غرب به شرق از اشرفی اصفهانی، شیخ فضل‌ا... در مسیر غرب به شرق از تیموری، آزادی در مسیر غرب به شرق از شهیدان و مسیر جنوب به شمال نواب از ۹ خیبر داد و توصیفش از قطار خوردوهای در حرکت. ترافیک نسبتا سنگین بود. ترافیک روز گذشته تهران و معابر پرتردد پایتخت رشته خیلی چیزها را پنبه کرد که رشته بافته‌شده برای سیزده به در که مایه فخر و مباهات بود مهم ترین شان بود. مشخص نیست آنها که دیروز در تهران جابه جا شدند بیماری را تا کجاها برده اند و آمار ابتلاهای جدید را چقدر بالا می‌برند. شرایط بعد از آن همه آموزش عمومی و اطلاع رسانی همگانی در روز سیزدهم فرودین در شرایط خوبی بود. این سیزده به در، تاریخی و ستودنی بود و می‌توانست آغازی بر پایان همه گیری کرونا باشد. سیزده به در ۹۹ و حرکت قانون مدارانه مردم برای رعایت قرنطینه خودخواسته می‌توانست شروع یک پیروزی باشد ولی با حرکت روز پیش مردم همه چیز به هم خورد. البته همه مردم تهران به خیابان‌ها نیامدند و کلی قضاوت کردن و همه را با یک چوب زدن غلط است ولی همان عده که آمدند هم رحتات خودشان رانقش برآب کردند و هم سختی‌هایی‌را که قرنطینه نشین‌های سفت و سخت دراین مدت کشیده‌اند. این موضوع به قدری جدی است که دیروز در همان حین که عده‌ای در حال تردد در خیابان‌ها و گردش در شهر بودند ایرج حریرچی، معاون کل وزارت بهداشت از وضعیت پیش آمده گله کرد و ضمن نگران کننده توصیف کردن وضعیت کرونا در تهران از نگرانی جدید بابت این تردها گفت و توضیح داد که هر یک از این خودروهای می‌توانند بیرون بروند و به محل کار و خانه حتی به شهرهای اطراف پایتخت منتقل کنند. اگر این سناریو درست از آب دربیاید و نگرانی‌ها رنگ واقعیت بگیرد یعنی که شکست کرونا به تعویق می‌افتد و بیماری یک بار دیگر اوج می‌گیرد آن هم در شرایطی که آمارهای روزانه وزارت بهداشت چند روزی است روندی کاهش‌ی دارد.

۵ محور پرتراپیک دیروز

محمد رازقی، رئیس مرکز کنترل ترافیک

پلیس راهور تهران



روز گذشته، اولین روز در سال جدید بود که شاهد ترافیک نسبتا سنگین در برخی معابر پایتخت بودیم و به ترتیب، محورهای جنوب به شمال نواب، جنوب به شمال امام علی (ع)، شرق به غرب بابایی، غرب به شرق همت و غرب به شرق حکیم حجم بیشتری از ترافیک صبحگاهی را در ساعت‌های ابتدایی بامداد دیروز داشتند و مسیر برگشت همین محورها نیز در ساعت‌های بعد از ظهر شاهد سنگین‌ترین ترافیک بودند. باید توجه داشت که دیروز نخستین روز کاری رسمی سال ۹۹ محسوب می‌شد و با توجه به این که ما تعطیلات دو هفته‌ای را پشت سر گذاشتیم، ترافیک دیروز پایتخت در بیشتر معابر آن مقداری پرچم‌تر از روزهای تعطیل بود. با این حال، این ترافیک فاصله معناداری با اولین روز کاری سال‌های گذشته داشت و دیروز، حجم خودروهای موجود در معابر پایتخت حدود یک سوم این میزان در اولین روزهای کاری سال‌های ۹۷ و ۹۸ به نظر می‌رسید. درباره ترافیک دیروز پایتخت همچنین می‌توان گفت چون روز گذشته، اولین روز کاری بود و احتمالا بسیاری از مردم کارهای عقب افتاده‌ای داشتند و منتظر بودند که با تعطیلات به انجام آن بپردازند، وضعیت ترافیکی حتی نسبت به آخرین روزهای سال ۹۸ نیز سنگین‌تر بود و انتظار می‌رود که این حجم ترافیک در روزهای آینده مقدار زیادی فروکش کند.

بیمارستان‌ها شلوغ می‌شود

مسعود مردانی، متخصص بیماری‌های عفونی



وقتی تردد مردم در سطح شهر به روال عادی خود بازمی‌گردد و بسیاری از شهروندان فراموش می‌کنند هنوز وضعیت شیوع ویروس کرونا بسیار جدی است و همه باید در خانه بمانند، باید انتظار داشته باشیم که در آینده نزدیک وضعیت همه‌گیری این بیماری در کشور بسیار شدیدتر شود، یعنی تدابیر این بی توجهی باعث می‌شود همه بیمارستان‌ها از بیماران کرونایی به طور کامل پر شود و تخت‌های ICU و CCU که رئیس جمهور گفت هنوز برخی از آنها خالی مانده‌اند، به‌طور کامل پرمی‌شود و حتی شاید مجبور به واردات تخت‌های مراقبت‌های ویژه شویم.

بنابراین مردم باید موضوع فاصله‌گذاری اجتماعی را با شدت خیلی بیشتری رعایت‌کنند و دولت نیز باید در جهت حمایت از شهروندانی که برای امرار معاش ناچار به خروج از منزل هستند، بیشتر تلاش کند تا آنها نیز از خانه‌های خود خارج نشوند. اگر این اتفاق نیفتد، حتما سرعت انتقال ویروس کرونا در میان افراد مختلف افزایش می‌یابد و طبیعتا هم شاهد مرگ‌ومیر هموطنان بیشتری در اثر ابتلا به این بیماری خواهیم بود و هم دوران همه‌گیری کرونا و مشکلات ناشی از آن طولانی‌تر می‌شود. در واقع، اهمال در اجرای طرح فاصله‌گذاری اجتماعی از سوی مردم یا مسؤولان، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را در حوزه‌های سلامت و اقتصاد به کشور وارد خواهد کرد.

مدیریت بیماری کرونا، تصمیمات سختگیرانه‌تری خواهیم گرفت. مصوبات سختگیرانه، در صورت ادامه حضور مردم، اعلام خواهد شد. بارها شنیده‌ام که برخی از خسته شدن در خانه و قرنطینه می‌گویند. اگر این افراد به بهانه خسته شدن در جامعه حضور پیدا کنند، چند روز بعد، خوابیدن در تخت‌های آی‌سی‌یو اتفاقات بعدی زندگی‌شان خواهد شد.

خطر یک برداشت اشتباه

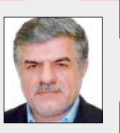
مینو محرز، عضو ستاد پیشگیری و مدیریت بیماری کرونا



این ذهنیت اشتباه است که برخی تصور می‌کنند بعد از تعطیلات نوروزی، باید فعالیت‌های اجتماعی خود را از سر بگیرند. ما در وزارت بهداشت و ستاد پیشگیری و مدیریت بیماری کرونا، درخواست ادامه طرح فاصله‌گذاری اجتماعی حداقل تا دو هفته دیگر را داده‌ایم؛ پس مردم باید بدانند مشکلات ابتلا به ویروس همچنان وجود دارد. دیروز ما شاهد حضور مردم در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی بودم. کسانی که از سفرهای نوروزی بازگشته‌اند و فکر می‌کنند علایم ابتلا به ویروس را دارند، حال این که تجمع در جامعه و حضور در مراکز درمانی، خطر ابتلا به ویروس را بیشتر می‌کند. اگر حضور مردم در جامعه ادامه داشته باشد، وزارت بهداشت، تصمیم به تمدید فاصله‌گذاری اجتماعی می‌گیرد و این افزایش مشکلات اقتصادی و حتی بیشتر ماندن در خانه‌ها را به همراه خواهد شد. در همه جای دنیا، طرح فاصله‌گذاری، یکی از طرح‌های موفق مبارزه با ویروس کرونا، شناخته شده و موفق عمل کرده‌است. برای این که این طرح، در ایران هم با موفقیت اجرایی شود، نیاز به حمایت مردم است. بسیاری از کسب‌وکارها با وجود منعوبیت، قانون‌شکنی می‌کنند و متاسفانه مردم هم با آنها همراه می‌شوند. این نشان می‌دهد ویروس کرونا، جدی گرفته نشده‌است.

رنج اقتصادی

امرا...امینی، کارشناس اقتصادی



ماجرای بحران ویروس کرونا و بحران مسائل اقتصادی مردم، یک موضوع دو جانبه‌است که مردم و دولت هستند. بله مردم می‌توانند در خانه بمانند اما این در خانه ماندن هزینه‌هایی دارد که قرار است از کجا تأمین شود؟ یا باید کسب و کارها فعال باشد یا این که از سمت دولت کمک‌های قابل توجهی به مردم صورت بگیرد. پس طبیعی است وقتی مردم این کمک‌ها را احساس نکنند، برای تأمین معاش‌شان تلاش می‌کنند و دوباره تراکم جمعیت در شهر شکل می‌گیرد. به نظر من می‌شود دولت اعلام کند مالیات ماه‌های اسفند و فروردین و اردیبهشت را می‌بخشیم، هزینه آب و برق و گاز را کم می‌کنیم، وام‌های بلاعوض پرداخت می‌کنیم، چکی را برگشت نمی‌زنیم یا این که با چک‌های برگشتی مثل گذشته برخورد نمی‌کنیم. خوب معلوم است که اگر این اتفاق‌ها نیفتد، مغازه‌دار هر ریسکی را می‌پذیرد و مغازه‌اش را باز می‌کند تا بتواند هزینه‌هایش را جبران کند. این طور که به نظر می‌رسد، مسؤولان در تصمیم‌گیری ضعیف عمل می‌کنند و هنوز به یک اراده قطعی نرسیده‌اند و در یک سرگردانی به سر می‌برند؛ گاهی تصمیماتی جدی اعلام می‌کنند و دوباره از آن کوتاه می‌آیند. برای مثال نمی‌گوییم همه سیستم بانکی کشور تعطیل باشد اما کار مشکلی نیست اگر تصمیم اتخاذ شود که در این شرایط اضطراری، چکی که این روزها آمد و پاس نشد، برگشتی زده نشود تا بعدا و در شرایطی آرام، تکلیفش روشن شود؛ خوب بالاخره باید فضای کسب و کاری وجود داشته باشد که فرد بتواند چکش را پاس کند.

علیه خستگی و بلا تکلیفی

مریم افضلی، روان شناس



همه خسته‌ایم، این حجم از بلا تکلیفی و روشن نبودن پایان این روزها همه‌مان را خسته کرده است. اما چه کاری از دستمان برمی‌آید؟ به نظر می‌رسد آتقدر عادت کرده‌ایم که در کنار خانواده باشیم و وقت‌مان را به کار و تفریح در بیرون از خانه بگذرانیم. اصلا یادمان رفته است حالا چطور می‌توانیم با هم وقت بگذرانیم، اگر این روزهای خسته‌کننده و نگران و بلا تکلیف کلافه‌مان کرده است، می‌توانیم طور دیگری به ماجرا نگاه کنیم. مثلا ببینیم و در این روزها از حداقل امکاناتی که هر خانواده در خانه خودش دارد به خوبی استفاده کنیم و اجازه ندهیم تأثیر بد این روزها، وارد جریان زندگی‌مان شود. در واقع بهترین کار این است که از همین روزهای بد، لحظه‌های خوب بسازیم. در ظاهر شعاری به نظر می‌رسد اما واقعا چاره دیگری به جز این داریم؟ بیا ببید و ببذیریم که به هر حال این بحرانی است که پیش آمده و کاری به جز محافظت از خانواده کوچک خودمان ساخته نیست، اما حداقل که می‌توانیم این بحران را به فرصت تبدیل کنیم؛ نمی‌توانیم؟ پیشنهاد می‌کنم که کتابخوان‌ها، کتاب (انسان در جست و جوی معنا) را بخوانند و ببینند که نویسنده چطور آن شرایط سختی را که در زندان نازی‌ها گیر افتاده است، در شرایط تبدیل کرد و به زندگی‌اش معنای جدیدی داد. شرایطی که در حال حاضر در آن قرار گرفته‌ایم، دست ما نیست، یک موقعی ما اختیاری داریم و می‌توانیم کاری انجام بدهیم اما حالا که دست و پایمان بسته است، بهتر است به حرف جلال آل احمد گوش کنیم که می‌گوید پایمان را در امکاناتی که داریم بگذاریم و نگاهمان را به آینده بدوزیم.

تفکر سیستمی نداریم

شریف مطوف، کارشناس مدیریت بحران



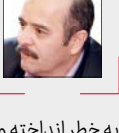
تعطیلات نوروزی یک دوره طلایی ۱۵ تا ۲۰ روز بود که دولت می‌توانست با اجرای جدی‌تر طرح فاصله‌گذاری اجتماعی جلوی تردد غیرضروری مردم در خیابان‌ها را بگیرد، اما نه فقط این اتفاق نیفتاد، بلکه امروز شاهد آن هستیم که دولت با وجود توصیه به ماندن مردم در خانه، برای بازگشایی برخی مشاغل اطلاعیه صادر می‌کند. این مساله باعث بلا تکلیفی شهروندان و خروج آنها از شهر شده و وضعیت ترافیک دیروز شهر تهران نیز ناشی از همین بلا تکلیفی مردم است. این در حالی است که در شرایط بحرانی شیوع کرونا در سطح جهان، در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته وضعیت قرنطینه سراسری برقرار شده و برای حضور غیرضروری مردم در سطح شهر جریمه‌های سنگینی وضع شده است. اما در ایران طرح فاصله‌گذاری اجتماعی با شدت مورد نیاز اجرا نمی‌شود و برای قطع زنجیره این ویروس لازم است که برخورد‌های قهری با شهروندان خاطی در این طرح تشدید شود. اما برخی تصمیمات مسؤولان اجرایی نشان می‌دهد که آنها هنوز لزوم انجام این برخورد‌های قهری را جدی نگرفته‌اند. چرا که می‌بینیم وقتی ما مردم در پی یک همه‌گیری ویروس کرونا قرار داریم، برخی ادارات و مراکز تولیدی بازگشایی می‌شوند. این بازگشایی در شرایط کنونی هیچ محلی از توجهی ندارد و قطعا این اتفاق می‌تواند به شیوع هرچه بیشتر این بیماری کمک کند. نکته دیگر آن است که اطلاعیه دولت درباره بازگشایی همه واحدهای تولیدی در عین جلوگیری از فعالی بیشتر واحدهای توزیعی و تجاری نشان‌دهنده فقدان وجود تفکر سیستمی در تصمیم‌گیری مقامات دولتی است. این ابهام بزرگ اطلاعیه اخیر همچنین نشان می‌دهد که صادرکنندگان آن، هیچ اطلاعی از لزوم فعالیت همه بخش‌های زنجیره تولید در کنار یکدیگر نداشته‌اند و اصلا این زنجیره را به درستی نمی‌شناسند؛ چراکه وقتی یک کالا قرار نیست در آینده نزدیک توزیع شود، اساسا چرا باید این کالا تولید شود؟

یکشنبه ۱۷ فروردین ۱۳۹۹ • شماره ۵۴۲۷



کرونا را تنها بگذاریم

کیوان ساکت، نوازنده و آهنگساز:



همان ناخوانده آمده است؛ مهمانی که دوستش نداریم؛ یک ویروس جهمی نفرینی که آسایش و آرامش همه مان را گرفته است. سلامتمان را به خطر انداخته و نگرانی از ابتلا به آن حاملان را ناخوش کرده است. همه دنیا در حال تلاش برای شکست این ویروس هستند و همه می‌دانند تنها راه شکست آن دور بودن و گسستن راه‌های ارتباطی است. تنها راه شکست آن ماندن در خانه و تنها گذاشتن است. همه دلمان برای روزهایی که می‌خواهیم کنار دیگران باشیم تنگ شده است، دلمان برای دوستانمان تنگ شده است، اما برای دوباره دیدن و داشتن آنها باید در خانه بمانیم. ما از همه مردم خواهش می‌کنم این ایام را صوری پیشه کنند و در خانه بمانند. مطالعه کنند. کارهای هنری ای را که دوست دارند، انجام دهند و ورزش کنند. همه ما حتما علایقی داریم که در زندگی شلوغ قبل از کرونا وقتی برای پرداختن به آنها نداشتیم، اما حالا که باید برای حفظ سلامت خود و دیگران در خانه بمانیم، می‌توانیم به آغوش هنر پناه ببریم.

با چه کسی لجبازی می‌کنید؟

داریوش ارجمند، بازیگر: کرونا حلا حالا هممان ماست و باید مدام برای نبرد آماده‌تر شویم. کاری که همه دنیا در حال انجام آن هستند. کوچه و خیابان‌هایشان، اداره‌ها و مدارس و دانشگاه‌ها را تعطیل کرده‌اند، همه کسب و کارهای غیرضروری را تعطیل کرده‌اند و سعی می‌کنند در این مبارزه با به پای هم پیش بروند. ما هم همین کارها را انجام داده‌ام. اما دیروز که برای کاری ضروری از خانه بیرون آمدم وحشت کردم و از خودم پرسیدم این همه آدم بیرون چه می‌کنند؟ یعنی همه کار ضروری دارند؟ این همه خودرو در شرایطی که همه‌مان را خطری بزرگ تهدید می‌کند در خیابان‌ها چه می‌خواهند؟ همه‌شهری‌های عزیز من، تهرانی‌ها، مردمان ایران عزیز، من نوکر شما هستم بیرون بیایید، بمانید توی خانه، واقعا با چه کسی لجبازی می‌کنید؟

وظیفه داریم در خانه بمانیم

کریم انصاری فرد، ملی‌پوش فوتبال: وظیفه داریم در خانه بمانیم. عده‌ای گمان می‌کنند با پایان تعطیلات، روند عادی زندگی را باید آغاز کنند؛ اما حقیقت این است که خطر هنوز برطرف نشده و زندگی همه ما را نشانه رفته است. ما باید در کنار هم باشیم و به هم فکر کنیم تا بتوانیم از این پیچ خطرناک عبور کنیم. درخواست من از همه مردم عزیز ایران فقط یک چیز است؛ لطفا در خانه بمانید تا کرونا مهار شود.

همه ما کنار هم هستیم

علیرضا یونانزاد، سنگربان تیم ملی: از شنبه برخی از هموطنانم گمان کردند کرونا به طور کامل از بین رفته است. به همین دلیل روال عادل زندگی از سر گرفته‌اند. البته برخی هموطنان هم مجبور هستند بیرون بزنند چون پولی در بساط ندارند. اما من خواهش می‌کنم مراقب باشید. آنها که می‌توانند در خانه بمانند، حتما این کار را بکنند. ما برای مهار این ویروس مرموز باید در کنار هم باشیم و حتما کنار هم می‌مانیم.

کرونا را دست‌کم نگیرید

علیرضا استکی، سرمربی تیم ملی پوکس: ما پوکسورها در مبارزه‌های بسیاری شرکت کرده‌ایم و خوب می‌دانیم اگر حریفی را در هر زمان از مسابقه دست‌کم بگیریم، قطعا مقابل آن شکست خواهیم خورد. ویروس کرونا حالا حریف سخت ماست. در تعطیلات نوروز، مردم همکاری خوبی با مسؤولان کردند و همه در خانه ماندند تا اول زنجیره انتقال قطع شود و دوما آمبر مبتلایان و مرگ و میر پایین بیاید. حالا با آغاز دوباره تحرک مردم، بیم آن می‌رود که بعضی‌ها فکر کنند کرونا به صورت کامل مهار شده و این تفکر، آغاز شکست مقابل ویروسی است که با کسبی شوخی ندارد. لطفا مراقب باشید.

کرونا هنوز هست

مهدی رحمتی، دروازه‌بان: این روزها اولین منبع اطلاعاتی شبکه‌های اجتماعی است و وقتی خبرهای مختلف درباره شلوغ شدن خیابان‌ها را خواندم کمی نگران شدم. از شنبه کوچه‌ها و خیابان‌ها شلوغ شده و این نگران‌کننده است چون اگر ارتباط افرادی که شاید ناخواسته و ندانسته ناقل باشند، با افراد سالم جامعه، می‌تواند آمار آسیب‌های کرونا را در کشورمان به شکلی جدی بالا ببرد. من از مردم می‌خواهم مراقبت کنند چون کرونا هنوز زنده است و دارد قربانی می‌گیرد. ❗

عقب نشینی

از مواضع مثبت خانواده‌ها!

بسیاری پایتخت را به توجه ویژه آن به خانواده می‌شناختند. احترام همه اعضای خانواده به «باباینجلی» به خیلی‌ها یادآوری می‌کرد مراقب والدین سالخورده‌شان باشند. خانواده معمولی مثل همه خانواده‌های ایرانی درگیر فراز و نشیب‌هایی بود ولی درنهایت یک بازتابی خوب از خانواده ایرانی بود. اما در فصل ششم از این سریال نگاه گروه سازنده به مقوله خانواده تفاوت پیدا کرد و در قالب قصه و شخصیت‌های داستان، به موضوعاتی همچون بی‌احترامی بچه‌ها به بزرگترها، مستقل شدن جوانان و … پرداخت کرده که برخی بر این باورند که فصل ششم از سریال پایتخت از مواضع مثبت خانواده عقب‌نشینی کرده است. بعضی هم مخالف این نظر هستند.



سحر عصرآزاد، منتقد: در آخرین قسمت از سریال پایتخت ۶، محسن تانابنده یا همان نقی معمولی جمله‌ای خطاب به بهبود گفت و تاکید کرد که با وجود اینکه ۲۴ ساعته کنار فرزندانش هست، اما باز هم احساس می‌کند با بچه‌هایش نمی‌تواند ارتباط برقرار کند. در واقع شکاف نسل‌ها همیشه وجود داشته و نمی‌توان منکر این مساله شد. البته نشان دادن

چنین مواردی هم در سریال پایتخت به معنای شکست قبح و ترویج رفتارهای زشت از جمله بی‌احترامی بچه‌ها به بزرگترها نیست، بلکه این سریال آیینه‌ای در مقابل خانواده‌ها هست و به شکاف نسل‌ها اشاره می‌کند. بنابراین نباید نگران پرداخت به چنین موضوعاتی باشیم. ضمن اینکه من اعتقاد دارم که یکی از دلایل موفقیت پایتخت، پرداخت به جزئیات است و رفتارهای متفاوت در خانواده‌ها نشان می‌دهد که برای مردم ملموس هست. علاوه بر آن الگوسازی



این‌طور نیست که ما سپاه مطلق یا سفید مطلق ببینیم، بلکه الگوسازی این‌هست که خاکستری ببینیم و در این حوزه پایتخت رفتارهای واقعی‌را به تصویر کشیده است.

سعید جلالی، فیلمنامه‌نویس: شاید بتوان گفت در این فصل بی‌احترامی افراد نسبت به هم بیشتر به چشم می‌خورد. به‌عنوان مثال شخصیت بهتاش که در فصل قبل به نوعی پدیده سریال بود و کاراکتر شیرینی داشت. در این فصل گاهی رفتارهای گستاخانه‌ای داشت و گاهی روی اعصاب مخاطب می‌رفت و یا اینکه بچه‌ها رابطه درستی با بزرگ‌ترها در

این فصل نداشتند و برای همدیگر و یا فرد فوت شده کمتر احترام قائل می‌شدند. در حالی که در فصول گذشته روابط این خانواده با هم به گونه‌ای بود که تحت هر شرایطی هوای همدیگر و احترام یکدیگر را داشتند و نماد یک خانواده ایرانی بودند.

پایتخت ۶ زیر ذره‌بین منتقدان، نویسندگان کارشناسان رد

پایتخت غیرم

دلایل این توقع را داشتند که گروه سازنده کارش را خیلی زودتر از شیوع ویروس و قوه‌ای که می‌بینند، پایان مشخص هم داشته باشد. از سوی دیگر این فصل دیگر فصل‌های سریال با حواشی روبه‌روشد، اما حاشیه‌های این فصل بی‌بخش‌ها نه تنها مورد نقد منتقدان قرار گرفت، بلکه کاربران فضای مجازی هم داده و انتقاد کردند. البته باید قبول کرد هر اثر نمایشی نقاط قوت و ضعف‌دا مطلق نیست، اما از آنجا مردم و منتقدان و کارشناسان رسانه علاقه زیاد دارند، علاقه‌مند هستند که این سریال را با کمترین کاستی ببینند و از تک‌تک

روز جمعه، پانزدهم فروردین ماه فصل ششم از سریال تلویزیونی پایتخت به پایان رسید. در حالی که قصه‌تمام نشد و عوامل سازنده پایتخت ادامه داستان را به مخاطبان تلویزیون بدهکار هستند. گرچه سیروس مقدم در گفت‌وگو با برخی اصحاب رسانه اعلام کرده که دو قسمت پایانی سریال باید ساخته شود و بعد از تمام شدن کرونا آن را می‌سازند، اما نداشتن پایان برای این فصل از سریال مخاطبان تلویزیون را بسیار غافلگیر کرد، زیرا از آنجا که انتظار دارند همیشه سریال تلویزیونی پایتخت را در ایام نوروز دنبال کنند، به همین



فاطمه عودباشی
زینب علیپور
فاطمه شهردوست
رسانه

ماجرای داستان پایتختی‌ها!

خشت اول چون نهد معمار کج / تاثری‌امی‌رود دیوار کج! حتی در آثار نمایشی تلویزیون!

مسلم‌دا چنین آثاری فیلمنامه‌نقش بسیار مهمی دارد و قصه باید در ابتدا بار دراماتیک داشته باشد تا کارگردان بتواند بر آن اساس یک کار خوب و درخشان بسازد. یکی از دلایل موفقیت سریال پایتخت در همه فصول، فیلمنامه بوده و قصه‌های جذاب توانسته مخاطبان را علاقه‌مند به پیگیری شخصیت‌های این سریال کند. البته در این فصل از سریال پایتخت، عده‌ای از منتقدان در فضای مجازی این موضوع را مطرح کرده‌اند که گرهِ داستانی در فصل ششم از سریال پایتخت وجود ندارد و همین باعث شده تایتار دراماتیک هم نسبت به دیگر فصول کاهش پیدا کند. حتی عده‌ای حضور نداشتن زنده‌یاد خشایار الوند را مطرح کردند که باعث ضعف در قصه شده و تعدادی دیگر مخالفان این نظر هستند. دلایل منتقدان را در این

مبحث در ذیل می‌خوانید.

سعید جلالی، فیلمنامه‌نویس: در شرایطی که کمتر سریالی توانسته در چند فصل تولید شود و همچنان مخاطب را با خود همراه کند، «پایتخت» بوده که با همه ضعف و قوتش یکی از شانس‌های تلویزیون در جذب مخاطب است. اما در فصل ششم به لحاظ بار قصه و گرهِ‌های داستانی شاید به نسبت فصول گذشته شوخی‌ها و گرهِ‌ها دم دست‌تر و کم‌فروغ‌تر بود و این‌طور به نظر می‌رسید که اصلا داستان ندارد. یعنی اگر از شما بخواهند قصه فصل ششم را تعریف کنید، نمی‌توانید چیز خاصی را برایش تعریف کنید. شخصیت‌ها هم به‌جز چند مورد افول کرده و جذابیت خودشان را از دست داده بودند. یعنی این‌طور تصور می‌شد

که کاراکترها دیگر همان آدم‌های ساده دل شیرین و دوست‌داشتنی نیستند و درگیر ویژگی‌های منفی رفتاری در زندگی شده بودند. از طرفی ورود بهبود تاثیر خاص و به‌سزایی در داستان نداشت. اما به عقیده من نگهداشتن «پایتخت» مهم‌ترین نقطه قوت آن است. ضمن این‌که شخصیت‌های شناخته‌شده‌ای دارد که مخاطب در هر حالتی آنها را دوست دارد. چون توانسته‌اند در طول این سال‌ها شخصیت‌های این مجموعه خودشان را ثابت کنند. شرایط کار با وجود کرونا و فقدان خشایار الوند را هم باید در نظر گرفت که روی مجموعه تاثیرگذار بوده است.

سیروس الوند، کارگردان: خیلی از اضافاتی که در بعضی بخش‌ها به چشم می‌خورد، به سناریوی آشفته کار برمی‌گردد؛ در این مجموعه از ابتدا برای هر کدام از شخصیت‌ها داستانی ساخته‌اند، یک شخصیت راننده نماینده است، یکی گوینده خبر است، دیگری درگیر تنش‌های ازدواج با خواهر تکی است، بهتاش می‌خواهد وارد تیم‌های بزرگ شود و کاراکترها و قصه‌های دیگری که همه طراحی شده‌اند تا برای تبدیل آنها به سریال چیزی کم نداشته باشند، غافل از آن‌که همه اینها را باید در یک کلاف منطقی جلو برد و هر کدامشان را به سرانجام رساند. ضمن آن‌که دهن‌ها گرم نیست و نمکی که قبلا بود وجود ندارد، البته وقتی من این را می‌گویم، سوءتفاهم پیش می‌آید که چون خشایار نیست، آن را مطرح کرده‌ام اما ایرادی ندارد. واقعیت این است که نبود خشایار باعث شده ما با افراد بی‌مزه‌ای نسبت به قبل طرف باشیم. آشفنگی موجود هم پیام‌هایی از جمله بی‌استفاده بودن بچه‌های داستانی یا فاصله گرفتن شخصیت‌ها از اصل خودشان شده است، مثلاً از همای ماقبل قصه انتظار بوتاکس زدن نمی‌رفت یا مواردی از این دست.

با همه اینها سخت است که شما شش فصل سریال بسازید و در طول آن رضایت همه را جلب کنید، چرا که هر سری انتظار مردم بیشتر می‌شود. توقع من هم البته بیشتر از این حرف‌ها بود چرا که آقای مقدم کارهای درخشانی دارد که حتی در نبود خشایار هم این انتظار را ایجاد می‌کند که شاهد اتفاق جالب توجه‌تری باشیم.

سحر عصرآزاد، منتقد: مهم‌ترین مساله در سریال پایتخت، فیلمنامه است و در فصل‌های قبلی هر یک از شخصیت‌های قصه سیر تحول مشخصی داشتند و گرهِ‌های داستانی در قسمت‌های مختلف به چشم می‌خورد، حتی با توجه به تغییراتی در فیلمنامه سریال پایتخت که بعد از فوت خشایار الوند رخ داد، مخاطب این توقع را داشت که شاهد یک داستان با گرهِ و تعلیق‌های متفاوت باشد. اما فصل ششم از سریال پایتخت، قصه دراماتیک برای همه شخصیت‌ها نداشت و تنها شخصیتی که داستان داشت و برایش سیر تحول در نظر گرفته شده بود، ارسطو بود. به همین دلیل مخاطب اوج و فرود را در شخصیت ارسطو می‌بیند و گاهی هم در شخصیت بهتاش این مساله دیده می‌شود. اما فیلمنامه یک خط قصه دراماتیک آغاز تا پایان ندارد. به همین دلیل بیننده در برخی صحنه‌ها، شخصیت را بازمه می‌بیند و در بعضی از صحنه‌ها این اتفاق نمی‌افتد و حتی بدون آنکه هدف داشته باشد به نقطه عطف درست ختم نمی‌شود.



بود که احتمالاً ضرورت دراماتیک نداشته و بیشتر به دلیل یک کشور بوده است.

اما از نظر نقش‌هایی که اضافه شده، شخصیت طاهره یکی از آن‌ها و وارد متن ماجرا شد. در واقع این نقش هم به گونه‌ای است که زمینه‌ای برای آن در نظر گرفته شده است.

در این بخش یکی از نقش‌هایی که حذف شد اما برگشت هم دست اندرکاران مجموعه متوجه شدند این شخصیت هنوز فا در این سری داشته و به همین دلیل او را برمی‌گردانند؛ اتفاق فیلمنامه‌نویسی دشوار است، اما در این مجموعه بازگشت بهر باز هم می‌شد شخصیت‌هایی جذاب‌تر مثل آشنا‌های چینی ار داستان و ماجرا‌ها جذابیت بیشتری پیدا کند.

می‌کنند و تیپ‌هایی ساخته‌اند که مردم در طول این سال‌ها دوست داشتند. طوری که مردم به خاطر این شخصیت‌ها و بازیگرها بیننده مجموعه هستند.

حسین سلطان محمدی، منتقد: به نظر من بازی‌ها بسیار خوب بود. در تمام این فصول شاهد بازی‌های فوق‌العاده‌ای از بازیگران بودیم. به هر حال این مجموعه توانسته در طول شش فصل مخاطبان بسیاری را به خود جذب کند. تا جایی که شنیدم برخی شبکه‌های ماهواره‌ای هم اقدام به بازپخش فصل‌های مختلف این مجموعه می‌کنند. البته طبیعی است هر کاری نقاط ضعفی هم داشته باشد. اما همین‌که می‌توان گفت سریالی است که همه از سیاسیون و اهالی رسانه تا مردم عادی آن را دنبال می‌کنند، یعنی تیم «پایتخت» کار خودش را انجام داده و جزو مجموعه‌های موفق و تاثیرگذار تلویزیون است.

شهرام خزایی‌ها، منتقد: فکر می‌کنم نویسندگان مجموعه بازیگری در قسمت‌های قبلی کرده بودند و برای فصل ششم تصمیم گرفتند بعضی شخصیت‌ها را حذف یا اضافه کنند. از جمله اینها باباینجلی

جان دادن به شخصیت‌های کاغذی

در کنار فیلمنامه و کارگردانی، این بازیگر است که به شخصیت جان می‌بخشد و توانایی و تجربیاتش مقابل دوربین به کمکش می‌آید تا نقش را برای مخاطب باور پذیر کند؛ اتفاقی که در سریال «پایتخت» رخ داد و به قدری بازیگران، شخصیت‌های داستان را باورپذیر و جذاب بازی کردند که در طول شش فصل همچنان برای بیننده جذابیت دارد. گرچه در این میان همه عده‌ای منتقد معتقدند بازی اغلب بازیگران در فصل ششم به تکرار افتاده و نکته خاصی برای مخاطب به همراه نداشته است.

بهزاد عشقی، منتقد: بازیگران مثل فصل‌های گذشته خوب بازی

نگاه به عشق از یک زاویه دیگر!

در بخشی از فصل ششم سریال پایتخت شاهد بودیم فهیمه بعد از گذشت چند سال از فوت همسرش بهبود، عشق تازه‌ای در دلش جوانه می‌زند و آن هم عشق به رحمت‌هست. اما بعد از پیدا شدن بهبود به این عشق خاتمه می‌دهد و عشق به همسر اول و مادر بودن در اولویت برایش قرار می‌گیرد. در واقع این جنس از عشق هم برای مخاطب تازگی داشته است.

منوچهر هادی، کارگردان: درام همین گونه شکل می‌گیرد. یک پرتشک آلوده به اعتیاد می‌شود یا یک پلیس با افراد خلافکار همدست می‌شود. یا زنی که به دلایل دراماتیک فکر می‌کند همسرش فوت شده و وارد یک رابطه جدید می‌شود و همسرش یکبارہ بازمی‌گردد. من فکر می‌کنم اتفاقاً همین مساله قصه فهیمه را جالب‌تر کرد. ضمن این‌که با احترام به همه بازیگران سریال که فوق‌العاده بودند، من بازی نسرین نصرتی را بیشتر دوست داشتم. خانم نصرتی ای‌تنه‌تونه توانست با بازی خوب و

لهجه درستش اتفاق خوبی را برای سریال رقم بزند.

سحر عصرآزاد، منتقد: این موضوع جزو اتفاقات خوب سریال پایتخت ۶ است که سازندگان کلیشه‌زدایی کرده‌اند. ما در این سریال می‌بینیم چطور فهیمه بعد از پیدا شدن همسر اولش، عشق به رحمت را رها و مادر بودن را اولویت قرار می‌دهد. نویسندگان خیلی هوشمندانه به این موضوع اشاره کردند. در واقع ما جنس تازه‌ای از عشق را در تلویزیون می‌بینیم که برای مخاطب هم جذابیت دارد. ضمن این‌که چنین اتفاقی در جامعه خیلی پیش آمده و مخاطب با آن همذات‌پنداری می‌کند.





اما در این فصل با یک خانواده از هم گسسته روبه رو بودیم که اگر با همین فرمان پیش بروند فکر نمی‌کنم دیگر پایتختی در کار باشد.

پاستوریزه‌ای نیست، یک سریال کمدی خانوادگی و بازناب ما در شرایط جامعه است. به همین دلیل وقتی این مجموعه را می‌بینیم، انگار خودمان را می‌بینیم. بنابراین آنهایی که می‌گفتند در سریال بی احترامی وجود دارد باید گفت که در هر خانواده‌ای اختلاف نسل‌ها و اینگونه مسائل وجود دارد. اتفاقاً در

صحنه‌ای که بهتاش پول را برای ارسطو پرتاب می‌کند، باعث ناراحتی ارسطو، هما و فهیمه می‌شود. بنابراین این سریال ترویج بی احترامی نمی‌کند. اتفاقاً نکات ریزی هم در این کار وجود دارد که بسیار اهمیت دارد. اینکه خانه نانی بزرگ است و اتاق دخترها با اتاق پدر و مادرشان فاصله دارد. البته در این میان می‌توان به شخصیت



بهروز اشاره کرد که به هر حال به بلوغ فکری رسیده و اینکه به آغوش هما می‌رود یا با سارا و نیکا شوخی می‌کند چندان خوب نیست. اما به هر حال نقاط قوت سریال به اندازه‌ای است که برخی چیزها در مقابل آن بی اهمیت جلوه می‌کنند. نباید همه چیز را منفی تعبیر کنیم.

بهزاد عشقی، منتقد: عده‌ای درباره عدم احترام کوچک‌ترها به بزرگترها در این سریال صحبت‌هایی کردند که به عقیده من این حساسیت‌های بیش از حد درست نیست. یکی از مضامین درام در طول تاریخ اختلاف نسل‌هاست. بنابراین یک جاهایی این اختلاف نسل‌ها به تصویر کشیده شده که اصلاً هدفشان ترویج بی احترامی کوچک‌ترها به بزرگترها نبوده است.

سازمانه، کارگردانان و جامعه‌شناسان

عمدولی

پس کرونا آغاز کنند تا ل سریال همچون شتر بود و حتی این م آن را دستمایه قرار دهد و هیچکس کامل نیست. به سریال پایتخت صحنه‌های آن لذت

پس کرونا آغاز کنند تا ل سریال همچون شتر بود و حتی این م آن را دستمایه قرار دهد و هیچکس کامل نیست. به سریال پایتخت صحنه‌های آن لذت

کات! دوباره از نو

به یقین می‌توان گفت کارگردانی اثر نمایشی از اهمیت بسیاری برخوردار است. چه بسا در سینما و تلویزیون شاهد بودیم کارگردانی که فیلمنامه نه چندان جذاب و خوبی را به یک اثر ماندگار تبدیل کرده یا عکس این موضوع هم اتفاق افتاده است. بنابراین یکی از شاخص‌های مهم سریال «پایتخت» هم کارگردانی و دکوپاژ و انتخاب هوشمندانه بازیگران و قاب بندی‌های صحیح توسط کارگردان است. البته طبیعی است که این بخش هم با نقدهای مثبت و بعضاً منفی روبه‌رو شود.

منوچهر هادی، کارگردان: من تمام قسمت‌های سریال را دیدم و تا قسمت ۶ و ۷ هم خیلی دوست داشتم. چون داستان به موازات و به درستی پیش می‌رفت. اما از جایی که بازی و نقش هومن حاجی عبداللهی در سریال تمام شده و مهران احمدی در نقش بهبود وارد داستان می‌شود، به نظر از جذابیت کار کاسته می‌شود. البته بازی‌ها که فوق العاده است و برای همه جا افتاده. همچنین در کنار بازی‌ها، مکان‌ها و تصاویر سریال به قدری خوب است که هر کدام به تنهایی برای دیدن سریال کافی است. وقتی همه این موارد در کنار هم قرار می‌گیرد، قطعاً با یک سریال خوب روبه‌رو خواهیم بود. با این حال به نظر من فقدان قصه و افت داستان باعث می‌شد برخی سکانس‌ها طولانی شود. البته بدین معنا نیست که کار ضعیف است، اما صرفاً شیرین بازی‌ها و شخصیت‌ها باعث جذابیت کار می‌شد. گرچه همه می‌دانیم که در شرایط کرونا تیم «پایتخت» کار کردند تا سریال به آنتن برسد و در این روزهایی که مردم بسیار نیاز به چنین سریالی داشتند، پخش شود. با این حال من ضعف کار را در فیلمنامه می‌دانم. باید به تیم سازنده به خاطر انتخاب درست و هدایت خوب بازیگران تبریک گفت.



سپروس اونند، کارگردان: به لحاظ کارگردانی و تصویربرداری این مجموعه کار پر و پیمانی بود که در آن تصاویر خوبی از منطقه گرفته شد. هر چند در بعضی از آنها فاصله زمانی رعایت نشده بود، به عنوان مثال این حجم از تصویر نمی‌توانست تنها محدود به علی‌آباد باشد و به نظر می‌رسد تا نزدیکی‌های آجیلی و مناطق اطراف هم پیش رفته‌اند. علاوه بر اینها قاب‌های جالب توجهی که با نگاه آقای مقدم شکل گرفته است، گاهی در بعضی از بخش‌ها جزئیات اضافی‌ای به چشم می‌خورد، مثل صحنه‌ای که بهتاش قرار است در هواپیما پدرش را ببیند و صحنه آن از مهماندارانی که هنوز روی باند هستند شروع می‌شود و با پذیرایی آنها از مسافران تمام می‌شود، در بین همه اینها هم رویایی که هدف قصه است، اتفاق می‌افتد. یا در صحنه‌ای که بهبود متوجه می‌شود فضای خانه آشناست و نزدیک ۱۵ دقیقه یادش می‌آید که آنجا در بجگی او چه بوده، ماجرای آن که کلا وجود آن ضرورتی نداشت و خلاصه این دست اتفاقات کم و بیش در سریال به چشم می‌خورد.

سعید جلالی، فیلمنامه‌نویس: به نظر به لحاظ کارگردانی و دقت کار و حفظ راکوردها خیلی عقب‌تر از فصل‌های گذشته بود و اشتباه‌ها به چشم می‌آمد.



می‌کنند و این باعث شده تا شاهد حدی از به هم ریختگی در داستان باشیم.

بهزاد عشقی، منتقد: پرداخت تصویری و میزانشن‌های پیچیده و دوربین سیال جزو امتیازات سریال است. اما در داستان و واقعا کم آورده‌اند. به این معنی که هر چقدر داستان جلودر رفت، این نقص خودش را بیشتر نشان داد. به عنوان مثال در یکی از سکانس‌های قسمت آخر که بهبود و نقی با هم صحبت می‌کردند، بیش از حد صحبت‌شان طولانی شد. همین طور در قسمت‌های مختلف مضمون و داستان تازه‌ای ندارد و انگار آدم‌ها کنار هم نشسته‌اند و حرف می‌زنند. چون داستان گره ندارد و از همان چند مورد گره‌ای که در داستان هست هم به خوبی استفاده نکرده است. به همین دلیل در اغلب قسمت‌ها ایجاد ملال می‌کند. از طرفی محافظه کارانه بودن بیش از حدش جذاب نیست. به عنوان مثال تأکیدی که مدام درباره پاکدست بودن نماینده مجلس دارد.

حسین سلطان محمدی، منتقد: فکر می‌کنم داستان فصل ششم هم پر از گره‌های داستانی است و هر کدام از شخصیت‌ها داستانی برای خود دارند. به عنوان مثال گره‌ای که برای ارسطو ایجاد شد یا داستان قرارداد بهتاش با نساجی یا گوینده خبر شدن هما و... به نظر «پایتخت» سریال ساده و بی‌پرده خانواده‌های ایرانی است. همین که نقی فقط یک راننده ساده یکی از نماینده‌های مجلس است اما می‌تواند خریدار یک خانه در تهران باشد و موبایل را دارند اما باز هم نقی می‌گوید نداریم. درست مثل خیلی از ما که در بهترین شرایط هم می‌گوییم نداریم. خانه بزرگی دارند یا فهیمه با پولی که از جنگلبانی گرفته توانسته خانه بگیرد و برای پسر بیکارش ماشین مدل بالا بخرد یا خودش آرایشگاه تأسیس کند، کلی نکته در این اتفاقات وجود دارد. از طرفی این خصلتی که نقی با بهتاش دارند و می‌خواهند دیده شوند، در نهاد همه ما وجود دارد. یعنی میل به دیده شدن در هر انسانی با هر جایگاه و شغلی وجود دارد. اصولاً مهم‌ترین ویژگی پایتخت این است که آینه تمام‌نمای جامعه و اتفاقات این

مجموعه برای همه ما ملموس است. آدم‌ها در طول زندگی و در شرایط مختلف تغییر می‌کنند. شخصیت‌های این مجموعه هم در فصول مختلف تغییر کرده‌اند. به عنوان مثال ارسطو در این فصل از جملات حکیمانه استفاده می‌کند. می‌توان گفت اگر تغییری در شخصیت‌های این سریال به وجود نمی‌آمد و کاراکترها تخت بودند دیگر برای مخاطب جذابیت نداشت.

شهرام خرازی‌ها، منتقد:

ضعف چندان‌ی نداشت و ماجراپردازی‌های خوبی در آن اتفاق افتاده بود. البته گاهی رخدادهایی را در آن می‌دیدیم که چندان باورپذیر نبودند. مثل برخورد نسیان با ماشین نماینده مجلس و در ادامه هم روبه رویی مکانیک با ماشین و عدم توجه او به مواد جاسازی شده یا موارد جزئی دیگری از این نوع. با همه اینها ساختار کلی داستان قابل دفاع است و نقطه قوت آن متن مجموعه است که در ادامه با بازی‌ها کامل شده است. نکته دیگری که یکی از مخاطبان هم

در نظرسنجی‌های ابتدایی مطرح کرد این که مردم این سریال و شخصیت‌هایش را آن قدر دوست دارند که حتی اگر آن‌ها هیچ کاری نکنند هم باز تماشا می‌شوند. این باعث شده تا حتی اگر پایتخت روند داستانی خطی که از نقطه الف به ب برسد را نداشته باشد و کاراکترهای آن تنها با هم حرف بزنند، ببینند باز هم آن را دنبال می‌کنند و از تل‌ده می‌خندند. همه اینها هم ریشه در شخصیت پردازی درست مجموعه دارد. این کاراکترها تیپ یا کاریکاتور نیستند و هر کدام عمقی دارند که مختص خودشان است. علاوه بر این، هر کدام از این شخصیت‌ها ماهیت ایرانی دارد که از مجموعه‌های خارجی با فضاهای دیگر کپی نشده‌اند. بنابراین من هم با نظر آن بیننده موافق هستم و معتقدم که پایتخت ۶ وجود همه مشکلات جزئی که در آن وجود داشت، دارای داستان بود و توانست باز هم مخاطب را با خود همراه کند.

مصطفی اقلیما، جامعه‌شناس: سریال پایتخت جزو مجموعه‌هایی است که در این سال‌ها با خط داستانی و فضایی که داشت توانست توجه مخاطبان زیادی را به خود جلب کند، با این حال این روند و جذابیت آن به مرور و در طول زمان ساخت و پخش هر کدام از فصل‌ها کمی دچار ضعف شد به طوری که در این سری کانسٹی‌های زیادی در بخش‌های مختلف به چشم می‌خورد. پایتخت و قصه‌هایی که در آن رخ می‌داد هر سری حرفی برای گفتن داشت و ماجراهایی را رقم می‌زد که هر کدام از آن‌ها فضای خاصی داشتند که ببینند با دیدن آن درگیرش می‌شد، اما این روند گرفتار فراز و نشیب‌هایی شد که البته در مجموعه‌های چند فصلی، امر دور از ذهنی نیست و خیلی وقت‌ها نمونه آن را در سریال‌های ادامه داده دیده ایم.

با همه اینها، این فصل از مجموعه پایتخت به دلیل افت قصه و جریان‌هایی که در آن وجود داشت من را چندان جلب نکرد و نتوانست باعث شود تا هر شب ببینند اش باشم. من فکر می‌کنم مردم هم با توجه به نگاهی که از فصل‌های قبلی نسبت به این مجموعه پیدا کرده بودند، از پایتختی‌ها انتظار داشتند مثل قبل اتفاق ویژه و تازه‌تری را رقم بزنند اما فضای کلی آن همان ریتم همیشگی را داشت که البته با همین روند هم توانست همچنان طرفداران خودش را تا حدی جلب و آن‌ها را با خود همراه کند.

محمد سلطانی‌فر، کارشناس رسانه:

به دلیل کرونا خیلی‌ها از جمله خود من امسال بیشتر پای تلویزیون نشستیم و قسمت‌هایی از این مجموعه را دیدیم. با این حال متأسفانه اتفاق خاصی عایدمان نشد چرا که در آن ماجراهایی رقم خورد که خیلی از آنها چندان شایسته مردم و فرهنگ ما نبود. این سریال اما به دلیل فضایی که داشت در این امر موفق نبود و نمی‌شود آن را مصداقی از فرهنگ و مردم این استان به حساب آورد. در واقع همان‌طور که گفتیم بیچاندن‌های مداوم توسط کاراکترها در هر قسمت با دروغ‌های شوخی و جدی اتفاق غالبی بود که در هر قسمت به چشم می‌خورد. در این بین مباحث مختلف از فرهنگی گرفته تا سیاسی، اجتماعی و... هم با این مساله ترکیب شدند و به نوعی گرفتار آن شدند.

خط کلی داستان هم مساله‌ای است که جای بحث دارد چرا که در هر قسمت ما شاهد شاخه متفاوتی از قسمت قبل بودیم و خط فکری پراکنده‌ای را در آن دیدیم که مشخص نبود از کجا به کجا می‌رسد. در خیلی از سریال‌ها در هر قسمت موضوعی مطرح می‌شود و به سرانجام می‌رسد اما اینجا همه اتفاقات در عین این که سرانجامی ندارند به یکدیگر ارتباط هم پیدا



شوخی‌های خوب یا بد؟!

خندانند مردم کار راحتی نیست، به ویژه مردم جامعه ما که خیلی راحت به هر چیزی نمی‌خندند، بنابراین این مساله کار کسانی را که سریال طنز می‌سازند مشکل می‌کند. زیرا باید طنز هم محتوای داشته باشد و هم به سمت هجو نرود. در واقع حرکت در این مسیر مثل راه رفتن روی لبه پرتگاه می‌ماند. یکی از امتیازات سریال

پایتخت هم طنزهای هایش است که در قالب شخصیت‌های مختلف قصه شاهد شوخی‌ها هستیم. فصل ششم از سریال پایتخت هم طنزهای داده و شنیده می‌شد که شامل شوخی‌های سیاسی، اجتماعی و... می‌شود. برآیند شبکه‌های مجازی نشان می‌دهد که برخی نسبت به شوخی‌های بی‌مورد حساس بودند و برایشان جالب نبود. همچنین تعدادی اعتقاد داشتند که تلویزیون بستر بسیار خوبی برای فضای طنز و شوخی باز گذاشته و ذهنیت نویسندگان تغییر کرده است.

جبار آذین منتقد و مدرس: مشخص است یک اثر تلویزیونی در قالب سریال باید از استحکام ساختاری، هنری و محتوای شایسته برخوردار باشد. بنابراین سازندگان نیاز به بهره‌گیری از شوخی‌ها و موقعیت‌هایی که فرهنگ مناسب خانوادگی و اجتماعی را زیر سوال ببرد، ندارد. در فصل ششم از سریال پایتخت برخی شوخی‌ها در حد متعارف مطرح شد که قابل قبول بود اما بخشی از شوخی‌ها چندان شکل و شمایل مناسبی نداشتند که حتی به فرهنگ جامعه لطمه می‌زند. این در حالی است که سازندگان سریال تلویزیونی پایتخت که محبوبیت زیادی میان مردم دارند و همیشه اساس کارشان بر مبنای شوخی‌های سالم بود، نباید از شوخی‌های بی‌مورد استفاده می‌کردند. شوخی‌ها باید در این فصل همچون فصول گذشته هدفمند انتخاب می‌شد، زیرا این سریال با محوریت خانواده و ترویج سبک زندگی ایرانی-اسلامی ساخته شده است.

سحر عصرآزاد، منتقد: در ذهن نویسندگان معمولاً برای نگارش شوخی و طنز، خط قرمزهایی وجود دارد و همین موضوع باعث می‌شد که ناخودآگاه محافظه کاری صورت بگیرد. اما فصل ششم از سریال پایتخت نشان داد که این خطوط قرمز نشأت گرفته از ذهن نویسندگان نبود و حال با پخش شوخی‌های سیاسی، اجتماعی و اخلاقی در فصل ششم از سریال پایتخت، نگرانی‌ها بر طرف شده است. البته شوخی‌هایی که میان شخصیت‌های سریال پایتخت رد و بدل می‌شود حد و مرز دارد و به نظر مثبت است.

پایان نامعلوم قصه

مخاطب دوست دارد پایان هر قصه را تماشا کند، اما شیوع ویروس کرونا مانع این مساله شد و گروه تولید نتوانستند پایان قصه را بسازند. سحر عصرآزاد، منتقد در این باره معتقد است: گروه تولید سریال پایتخت یک سال فرصت داشتند فصل ششم را بسازند و از قبل مشخص بود این سریال قرار است نوروز ۹۹ پخش شود، به همین دلیل توقع می‌رفت گروه سازنده زودتر اقدام به ساخت سریال می‌کرد. این که در پایان سریال زیرنویس شود که پایان قصه بعد از کرونا ساخته می‌شود و آقای سپروس مقدم کارگردان هم در گفت‌وگو با رسانه‌ها تأکید کرد که دو قسمت پایانی سریال را به مردم بدهکار است، توجیه مناسبی نیست! ضمن این که معتقدم بهتر بود عوامل سریال از همان شروع سریال صداقت داشتند و این موضوع را با مخاطبان در میان می‌گذاشتند. شاید بینندگان تصمیم می‌گرفتند زمانی این سریال را تماشا کنند که کامل ساخته شده باشد.



از نقش‌های او در نمایشی در خارج از پرقدترین بازی‌ها را داشتند و زحمت بسیاری روی دوش آنها بود. به خصوص نسرين نصرتی که نقش فهیمه را بازی می‌کرد، در این فصل بازی‌اش از فصل‌های دیگر جلوتر بود.

ضمن این که در کنار نقی و هما بهتر توانسته بود شخصیت خود را در طول این فصول حفظ کرده و شیرینی نقش و بازی‌اش را همچنان داشته باشد. با این حال هنوز هم «پایتخت» برگ برنده تلویزیون محسوب می‌شود و اگر ضعیفی در فیلمنامه است شاید به دلیل شرایط کار بوده.

با این حال این مجموعه متعلق به همه است. بسیاری از هنرمندان و مردم هنوز «پایتخت» را دوست دارند و علاقه‌مندند این مجموعه همچنان ادامه پیدا کند.

گفت‌وگوی جام‌جم با سیروس مقدم، کارگردان سریال پایتخت

خط قرمزها را رد نکردیم



فاطمه عودباشی

رسانه

شور و شغف درباره این سریال صحبت می‌کردند و تعدادی هم انتقاد داشتند. به همین دلیل سراغ سیروس مقدم، کارگردان و ساکنان این سریال رفتم که تا امروز شش فصل از این سریال را ساخته است و از او درباره حاشیه‌ها جویا شدیم؛ زیرا این فصل از سریال با حاشیه‌های زیادی در فضای مجازی روبه‌رو شد. صحبت‌های مقدم را در گفت‌وگوی ذیل می‌خوانید.

❗ یکی از نقدهایی که به سازندگان سریال پایتخت وارد شده، این است که چرا این فصل از مجموعه پایان ندارد و چرا گروه سازنده با وجود این که اطلاع داشتند که سریال پایتخت، نوروز ۹۹ پخش می‌شود؛ کار تولید را زودتر شروع نکرده‌اید؟
همان‌طور که می‌دانید ما سال گذشته در حال تولید و ساخت تله‌فیلم پایتخت به مناسبت روز بود بودیم. همه چیز به خوبی پیش می‌رفت تا این‌که یکروز مانده به شروع فیلمبرداری، خشایار الوند فوت کرد و همه ما را در سوگی بزرگ فرود برد. خشایار یکی از ارکان اصلی پایتخت بود، ۱۰ سال با تیم پایتخت زندگی کرده، رسانه تلویزیون را به خوبی می‌شناخت و به فضای پایتخت مسلط شده بود. مرحوم خشایار در کنار محسن تانبنده یک تیم هماهنگ و با تجربه شده بودند. بنابراین با فوت آن مرحوم، تله‌فیلم پایتخت هم نیمه‌کاره رها شد و ساخته نشد. طبیعی است که گروه بازیگران، هر کدام به سر کار و زندگی خود بازگشتند، محسن تانبنده دیگر دو فیلم سینمایی و یک تئاتر شد، احمد مهرانفر همچنین و مهران احمدی، بهرام افشاری، ریما رامین‌فر، نسرین نصرتی، هومن حاجی‌عبداللهی و... بقیه نیز همین‌گونه. شما بهتر می‌دانید که وقتی قرار شد پایتخت ۶ برای نوروز امسال ساخته شود، همه این اجزا مجدداً بایستی که از تعهداتشان در پروژه‌های دیگر خلاص بشوند تا بتوانند در یک زمان و تاریخ معین بار دیگر دور هم جمع شوند. از طرف دیگر تفاوت زیادی است بین سریالی که از صفر و ابتدا به ساکن شکل می‌گیرد تا سریالی که پنج فصل آن پخش شده و کاراکترها و بازیگران ثابتی دارد. پایتخت بدون حضور حتی یکی از آنها امکان تولید ندارد. مثلاً نمی‌شود بازیگر دیگری را به جای



نون خ ۲ روی آنتن شبکه یک

فصل دوم سریال نون خ قرار است از ۲ فروردین ماه روانه آنتن شبکه یک سیم شود.

این سریال تلویزیونی به تهیه‌کنندگی مهدی فرجی و کارگردانی سعید آقاخانی تولید شده است.



با لاخره دفتر فصل ششم سریال پایتخت بسته شد، با این پیش‌فرض که به دلیل شیوع کرونا، تیم سازندگان این مجموعه نتوانستند قسمت پایانی این سریال را بسازند و زمان آن به بعد از کرونا موکول شد. اما با این حال نظرسنجی‌های صدا و سیما نشان می‌دهد این فصل از سریال پایتخت هم توانست رضایت بینندگان را جلب کند. البته شبکه یک سیما هر شب قبل از پخش این سریال از سطح شهر و حتی مرده می‌داخل خانه‌هایشان قرنطینه بودند از پشت آیفون، گزارش مردمی تهیه و پخش می‌کرد که نظرات مردمی را انعکاس می‌داد. همچنین گزارشگر سری هم به بیمارستان‌ها می‌زد و نظر پرسنل اعم از پزشکان و پرستاران و بیماران را درباره سریال پایتخت ۶ می‌پرسید. عده‌ای با شور و شغف درباره این سریال صحبت می‌کردند و تعدادی هم انتقاد داشتند.

❗ یکی از اتفاقات در فصل ششم سریال، بهره‌بردن از شوخی‌های سیاسی، اخلاقی و اجتماعی است، اما بعضی‌ها معتقدند که تعدادی از شوخی‌ها در این فصل خوب است و سالم و بخشنی خوب از کار درنیامده است. نظر شما چیست؟

اساساً وظیفه طنز این است که ناهنجاری‌ها و معضلات اجتماعی، سیاسی و اخلاقی را با زبان و لحن شیرین نقد کند و به چالش بکشد و در نتیجه‌گیری هم امیدبخش و روشن باشد. در تمام دنیا، مباحث مشترکی برای طنزای و شوخی وجود دارد؛ مباحثی مثل سیاست، اقتصاد، اجتماع، اخلاق و... این شوخی‌ها به وفور و به مراتب بیشتر را در فضای مجازی و در محاوره مردم دنیا شاهد هستیم. شوخی با رئیس‌ان جمهور، سیاستون، ملکه الزیبات و... یا طنزای با گرانی، تورم، قیمت‌ها و... خیلی موارد دیگر.

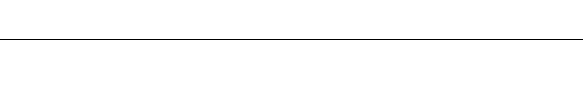
در پایتخت ۶ هم تلاش کردیم با حفظ خطوط قرمز سازمان (قانون، شرع و عرف) وارد فضاهای شیرین بشویم و با لحن تازه‌تر و نوتری، جنس متفاوتی از کمدی را تجربه کنیم. باید قبول کرد که پایتخت همواره ساختارشکنی کرده و حرف‌های تازه‌ای زده و به همین دلیل است که مردم اکثراً دوستش دارند و احساس می‌کنند که شوخی‌ها، کهنه، تکراری و از مد افتاده نیست. من همین‌جا از سیاسیون و بزرگانی که به خاطر علاقه قلبی‌مان به آنها و راحتی و احساس صمیمیتی که با آنها داریم، اجازه دادند، سعه صدر به خرج دادند و صبوری کردند تا این طنزای‌ها شکل بگیرد، تشکر می‌کنم.

❗ برخی بازیگران سریال پایتخت ۶ در یک عمل غیر حرفه‌ای اقدام به انتشار بخش‌هایی از دیالوگ‌های ممیزی شده خود در فضای مجازی کرده‌اند. نظر شما در این باره چیست؟

در طول پخش سریال پایتخت اتفاقاتی افتاد که من لازم می‌دانم توضیحاتی بدهم. اولاً فیلمنامه‌های پایتخت ۶، مثل بقیه پایتخت‌ها و سریال‌های دیگر تلویزیون تا مطالعه نشود، اصلاح نگردد و توسط مشاور و ناظر پروژه تأیید نشود، اساساً اجازه فیلمبرداری ندارد. بنابراین این‌گونه نیست که فیلمنامه تصویب شده با فیلمنامه ساخته شده، زمین تا آسمان فرق می‌کند. البته گاهی مواقع ساکنان‌ها یا دیالوگ‌هایی در حین اجرا دستخوش تغییرات می‌شود که این هم ذات هنر و خلاقیت و فکر جمعی در حین اجراست. حالا ما در زمان ساخت و تصویب فیلمنامه مواردی را داشته‌ایم که به لحاظ سیاسی، اجتماعی، امنیتی، اخلاقی و دینی، مشکلی نداشته است. اما در زمان پخش بنا به دلایل متعدد، همان‌مورد بی‌مساله، حساسیت‌برانگیز شده و طبیعی است که با کمک ناظران پخش و مشاور سازمان، بایستی اصلاح شود. به‌طور مثال ما در زمان ساخت با موردی شوخی کردیم که در فیلمنامه ما به بحث مهاجرت می‌پرداخت، بعدها

در ابتدا قرار بود فصل دوم از این سریال ماه رمضان روانه آنتن شبکه یک شود، اما با وضعیت خاص پیش آمده برای مردم، تعطیلی مدارس، دانشگاه‌ها و برخی مشاغال و به منظور شادی و نشاط بیشتر خانواده‌ها در شرایط فاصله‌گذاری اجتماعی، فصل دوم از این سریال از ۲ فروردین ماه و همزمان با

شب‌نیمه شعبان پخش می‌شود. این سریال محصول گروه فیلم و سریال شبکه یک سیما است. سعید آقاخانی، حمیدرضا آذرنگ، شقایق دهقان، میرطاهرمظلومی، سیروس میمنت، مجید یاسر، هدیه بازوند و... در این سریال بازی می‌کنند که هر شب ساعت ۲۲ و ۱۵ دقیقه پخش می‌شود.



در فضای مجازی کلیپی پخش شد که همین موضوع ایجاد مساله و بحران کرده بود، طبیعی است که ما در زمان پخش باید این شوخی‌مان را تلطیف یا حذف می‌کردیم که خدای نکرده حمل بر توهین به آن شخص یا حمایت یا تکذیب آن شخص نگردد. در صورتی که در زمان نگارش فیلمنامه، اصلاً هنوز چنین اتفاقی در فضای مجازی نیفتاده بود.

❗ به نظرتان پایتخت ۶ نسبت به دیگر فصول آن چه تمایزی دارد و چه داشته‌هایی برای مخاطب به همراه آورده است؟

هر اثر نمایشی را باید متناسب با شرایط ساخت و تولید و پخش آن اثر مورد ارزیابی قرار داد. هر اثر هنری از آنجا که زاینده ذهن، فکر و اندیشه انسان است و انسان‌ها مدام در حال تجربه‌اندوزی و کسب آگاهی هستند، قاعداً محصول دانش تولیدکنندگان در همان مرحله از شناختشان از دنیا، جامعه و... است. بنابراین وجود کاستی‌ها، ضعف‌ها و اشتباه‌های سهوی در کنار نقاط مثبت و مفید امری طبیعی است. در پایتخت ۶ تلاش شد مشکل تازه‌تر و نوتری از کمدی را به نمایش بگذاریم. نویسندگان سعی کردند وارد فضاهایی شوند که طی این سال‌ها کمتر به آنها پرداخته شده بود و همین باعث شد مخاطبان همچنان با پایتخت ۶ همذات‌پنداری کرده و تصویر واقعی خود و جامعه‌شان را در آن‌ها تلویزیون ببینند.

پایتخت نقاط قوت بیشماری دارد، فضای تازه‌تر از کمدی‌ها و دیالوگ‌ها، ایجاد شوخی و خنده به کمک موقعیت‌ها نه صرفاً با دیالوگ و حرکات فیزیکی. البته در کنار این نقاط قوت، طبیعی است که نقاط ضعفی هم وجود دارد که باید در زمان مناسب و کارشناسان خبره مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

❗ فصل اول سریال پایتخت با هدف توجه و



بازیگر «کامیون» از شرایط تولید سریال‌های نوروزی به دلیل شیوع کرونا گفت

سریال‌سازی در شرایط خاص

اشرفی زاده هم جلوی دوربین می‌رفتم؛ این تداخل کاری کمی مزانگران می‌کرد.

قاسمی افزود: خوشبختانه نقشی که در کامیون داشتم به‌گونه‌ای بود که نیازی به حضور هرزوه من نداشت. باینکه شخصیت بامزه و اثرگذاری است، اما حضورش به نسبت سایر شخصیت‌های اصلی کم است؛ امکان پیوستن من به پروژه سریال کامیون فراهم شد.

وی عنوان کرد: من از ابتدا می‌دانستم که نقش پروانه چندان طولانی و پررنگ نیست، اما سعی کردم همین نقش کم‌راهم تا جایی که امکان دارد درست بازی کنم

بازیگر سریال کامیون گفت: بیشتر کارهای سینمایی من ملودرام‌های اجتماعی هستند و کمتر پیش‌آمده که در آثار طنز بازی کنم. البته در تلویزیون هم در کنار سریال‌هایی با مضمون طنز مثل چک برگشتی یا پایتخت؛ بقیه کارهایم نقش‌های بسیار سنگینی بودند؛ آخرین نمونه هم سریال «روزهای بهتر» آقای دانش اقباشاوی بود که در اپیزود «نامه آخر» نقش یک مادر شهید را داشتم که با نقش‌هایی که تا به حال بازی کردم فاصله زیادی داشت.

قاسمی ادامه داد: به‌عنوان یک بازیگر کمدی یا جدی بودن نقش‌ها برابرم معیار اصلی نیست. پیشنهادها‌کاری را با توجه به قوت فیلم‌نامه، دغدغه‌های خودم و شرایط کاری



و زمانی می‌سنجم و اگر آن نقش را دوست داشته باشم و ارزش کار کرده داشته باشد، می‌پذیرم. البته قبلاً هم مقاومت می‌کردم که مثلاً در کارهای کمدی بازی نکنم، اما اکنون این‌گونه نیست. بازیگر باید از پس همه نقش‌ها و ژانرها برآید.

وی افزود: در تعطیلات نوروز امسال سریال‌های خوبی از تلویزیون پخش شدند. هم پایتخت ۶، هم کامیون و هم دوپینگ مخاطبان زیادی را جذب کردند و من علاوه بر سریال کامیون که در آن بازی داشتم دو سریال دیگر را نیز دنبال کردم. راستش باید به همه عوامل این مجموعه‌های تلویزیونی یک خدایقوت بگویم. آن‌ها در شرایط سختی که اسفندماه امسال داشتیم و با آغاز شیوه ویروس کرونا بازم به تعهد خود عمل کردند و به‌سختی با رعایت شرایط بهداشتی این سریال‌ها را به آنتن رساندند. به‌این ترتیب مردمی که امسال در خانه‌ها مانده بودند توانستند ببینند این سریال‌های جدید باشند.

بازی مرموز شعبده‌باز «عصر جدید» روی آنتن

«بازیمون» کلید خورد



فوتبال را که رؤیا نونهالی پیش‌بینی کرده بود روی صفحه آورد و یا در اجرایی دیگر لباسی را که از قبل پوشیده بود رنگ‌های آن را پیش‌پیش براساس انتخاب‌های داوران طراحی کرده بود. بخش‌های کوچک‌تری از این پیش‌بینی‌ها که نوعی تلقین ذهنی فتحی روشن را برای مخاطب تداعی می‌کرد توسط مخاطبان در فضای مجازی رو می‌شد با این حال راز برخی از این طراحی‌ها هیچ‌گاه کشف نشد.

پدر احسان حدادی از بیماری می‌گوید: نمی‌دانیم چطور کرونایی شدیم

پدرا احسان حدادی، نایب‌قهرمان المپیک ایران هم که درگیر کرونا شده بود دربارهٔ این ویروس و البته شرایط خودش و احسان توضیحاتی می‌دهد. او می‌گوید: «من هم مثل احسان چند روزی است که کرونا گرفته‌ام و در خانه قرنطینه هستم.» او خودش هم نمی‌داند چطور به این بیماری مبتلا شده‌اند؛ «من نمی‌دانم چطور

عزت‌اللهی: دولت دست مردم را بگیرد

سعید عزت‌اللهی، هافبک دفاعی تیم ملی هم از جمله بازیکنانی است که این روزها در خانه مانده است. لیگ بلژیک هم به خاطر شیوع بیماری کرونا تعطیل شده و بازیکنان فعلاً نمی‌توانند تمرین یا بازی کنند. البته تنها یک هفته به پایان لیگ این کشور باقی مانده و فعلاً فدراسیون بلژیک تیم بروز را قهرمان رقابت‌ها معرفی کرده است.

سعید عزت‌اللهی هم از جمله بازیکنانی است که به شدت نگرانی ایرانی‌هاست و از آنها می‌خواهد در خانه بمانند. دیروز هم با اتمام تعطیلات رسمی دوباره همه شاهد شلوغی خیابان‌ها و اتوبان‌ها بودند. این نشان می‌دهد هنوز مردم باور ندارند کرونا می‌تواند بسیار خطرناک باشد. سعید عزت‌اللهی در این باره می‌گوید: مردم در خانه بمانند. در حال حاضر امن‌ترین جا همین خانه‌هایمان است. امیدوارم مردم به توصیه‌های پزشکان و متخصصان بیشتر توجه کنند. این بیماری شوخی ندارد. عزت‌اللهی از دولت هم یک خواسته دارد؛ الان زمان آن است که دولت به مردم کمک کند و حداقل کاری که می‌توانند کنند، این است که قبضی برای مردم نرود. خیلی‌ها بیکار هستند، اگر هم می‌بینید مردم بیرون می‌روند برای امرار معاش است وگرنه کسی دوست ندارد در خطر بیماری باشد. امیدواریم دولت در این روزها دست مردم را بگیرد.

آخرین جزئیات درباره لیگ ناتمام

رقابت‌های لیگ برتر به دلیل کرونا تعطیل است. این‌که چه زمانی مسابقات برگزارمی‌شود هم مشخص نیست. ۹ هفته تا پایان رقابت‌ها باقی مانده و این یعنی نزدیک به یک سوم لیگ برتر هنوز انجام نشده است. روز گذشته وقتی از یکی از اعضای هیات رئیسه فدراسیون فوتبال در این باره سوال کردیم، پاسخ داد: از نظر خود ما هم احتمال این‌که بازی‌ها برگزار شود، بسیار کم است. از سویی نباید فراموش کنیم ما لیگ فصل بعد را هم داریم. وضعیت کنترل بیماری هم مشخص نیست. قرار شده ستاد مبارزه با کرونا در این زمینه به ما اعلام رسمی کند. ولی احتمال برگزاری لیگ بسیار پایین است. دیروز وقتی در این باره از سهیل مهدی، رئیس کمیته مسابقات سوال کردیم، پاسخ داد: هیچ چیز مشخص نیست. ادامه مسابقات فقط به تصمیم ما بستگی ندارد. همان‌طور که از روز اول گفتیم ما تابع تصمیماتی هستیم که ستاد ملی مبارزه با کرونا می‌گیرد. اگر به ما بگویند بیماری مهار شده و می‌توانیم لیگ را برگزار کنیم، این کار را می‌کنیم. اگرنه هم تابع هستیم. این یک بیماری کشنده است و برای همه ما جان مردم، ورزشکاران و… مهم است.

مبتلا شده‌ایم. با احسان برای تمرین می‌رفتیم به مجموعه آفتاب. فعلاً هم ۱۰ روزی است که در رختخواب هستیم.» حدادی و پدرش باید دوران نقاهت را پشت سر بگذارند. احسان و حضور او در ورزش دوومیدانی سرنوشت‌ساز است و خیلی‌ها امیدوارند حال او هرچه زودتر خوب شود. اشکان ادریجپشت، رئیس

قهرمانان جهان و المپیک چگونه به جنگ کرونا رفتند؟

پهلوانان بیرون گود نمی‌مانند



برای اولین بار سیل در سیستان و بلوچستان موجب شد این قهرمانان را در یک قاب کنار هم ببینیم. قهرمانان المپیک و جهان با دستمالی بر صورت پشت وانت نشسته بودند تا ناشناس به کمک هموطنان سیل زده‌شان بروند.

رسول خادم، حسن رحیمی، کمیل قاسمی، مهدی براتی، عباس طحان، امیر توکلیان و دیگر قهرمانان کشتی ایران، در موسسه‌ای خیریه به نام خامان علی‌بن ابیطالب(ع) گرد هم آمدند تا هموطنان‌شان تنهانماند.

کارنامه این قهرمانان در ماجرای آن سیل تلخ، بسیار درخشان و قابل قبول بود و موجب شد ماموریت‌های موسسه جهت خود را پیدا کند.

ورود کرونا به کشور زمینه‌ای تازه برای فعالیت این قهرمانان شد تا به یاری مردم آسیب‌دیده بپردازند.

آنها ابتدا بسته‌های پزشکی و اقلام ضدعفونی برای سیستان و بلوچستان و گرمخانه‌های تهران و مناطق جنوب شهر تدارک دیدند؛ اما زمان زیادی نگذشت که برنامه‌ای تازه برای پیشقرولان موسسه تعریف شد؛ کمک به زنان سرپرست خانوار و خانواده‌هایی که به دلیل تعطیلی کسب و کار از نظر مالی آسیب جدی دیدند.

پهلوانان ایران زمین، حالا می‌دانستند که باید در تاریکی شب، بسته‌های حمایتی را به خانواده‌ها برسانند و بدون کوچک‌ترین تردیدی ماموریت تازه را آغاز کردند. کمک به زنان سرپرست خانوار که از طریق خیاطی در خانه یا دستفروشی و انجام کارهای خدماتی، هزینه‌های زندگی خود را تأمین می‌کنند و توزیع شبانه بسته‌های غذایی مورد نیاز خانواده‌های بی‌بضاعت که با کمک ۵۸۵ میلیون تومانی مردم به موسسه تهیه شد، از جمله کارهای انجام شده پهلوانان بود.

حوادث

اسیدپاشی به خاطر کری خوانی در اینستاگرام

مرد جوان که در جریان درگیری با اسیدپاشی باعث

نابینایی مردی شده بود، ادعاکرد خود نیز قربانی اسیدپاشی شده است. در حالی که شاکی پرونده مدعی خودسوزی متهم بود، پرونده متهم برای معاینات پزشکی قانونی به این مرجع قضایی ارجاع داده شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به پرونده اسیدپاشی به دو جوان در یکی از پارک‌های محله خزانه‌تهران از اوایل شهریور ۹۵ با شکایت قربانیان اسیدپاشی در دستور کار پلیس قرار گرفت. یکی از قربانیان اسیدپاشی که جوانی به نام مهدی بود بعد از انتقال به بیمارستان در پاسخ به سوالات پلیس و طرح شکایت خود به ماموران گفت: روز حادثه من و دوستم صابر در پارک خزانه بودیم که ناگهان متوجه شدیم نژاعی بین چند جوان رخ داده است. ما برای پدرمیانی و جداکردن چند جوانی که باهم درگیر شده بودند به محل حادثه رفتیم اما یکدفعه یکی از آنها با چاقو به ما حمله کرد و بعد هم به روی ما اسیدپاشید. او همان کسی بود که پیش از این هم با من درگیر شده بود و من را به اتهام ضرب و جرح و تخریب اموال به زندان انداخته بود.

در حالی که جراحات ناشی از سوختگی و اصابت

چاقو در بدن مهدی شدید بود، وی تحت معالجه و درمان قرار گرفت اما شدت سوختگی به حدی بالا بوده که یک از چشم‌های مهدی تخلیه شد.

با اطلاعاتی که شاکیان پرونده در اختیار ماموران قرار دادند، حدود یک ماه بعد از حادثه متهم که جوانی به نام کیوان بود به دام قانون افتاد. او در برخورد اولیه با ماموران پلیس لب به اعتراف گشود و به اسیدپاشی اعتراف کرد و گفت: من از قیل با مهدی اختلاف داشتم و روز حادثه وقتی ناگهان او را دیدم، به فکر انتقام افتادم.

با اعتراف متهم، پرونده برای رسیدگی به شعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد. در حالی که شاکی توانسته بود رضایت صابر را جلب کند، پرونده با شکایت مهدی رسیدگی شد.

مهدی در ابتدای جلسه رسیدگی گفت: بعد از این‌که دو ماه در بیمارستان بودم، معجزه‌آسا از مرگ نجات پیدا کردم، اما هرگز به زندگی طبیعی برنگشتم. کارم را از دست داده‌ام و چشم نابینا شده است و تقاضای دیده دارم.

سپس متهم در جایگاه حاضر شد و در دفاع

کمیته پزشکی فدراسیون خیرهای خوشی درباره احسان حدادی دارد: «حال احسان رو به بهبودی است و هر روز بهتر می‌شود و حتی تمرینات تنفسی را شروع کرده است. من با او مدام در تماس هستم. ویژگی مهم این است که او ورزشکار است و به خاطر قدرت بدنی خوب راحت بیماری آپشت سر می‌گذارد.»



یکشنبه ۱۷ فروردین ۱۳۹۹ • شماره ۵۴۲۷



کوتاه از ورزش

کامنت «چک» برای چک ایرانی

پتر چک، دروازه‌بان نامدار سابق چلسی و آرسنال در پستی از صفحه اینستاگرام بهرام افشاری، بازیگر نقش بهتاش فریبا، به حرکت این بازیکن در سریال پایتخت واکنش نشان داد. افشاری که به سبب کلاه ایمنی سرش شباهت زیادی به پتر چک پیدا کرده بود، در سریال هم این لقب را برای خود انتخاب کرد. دروازه‌بان سابق چلسی و آرسنال که افتخارات بزرگی از جمله قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا را در کارنامه خود دارد در یکی از پست‌های اینستاگرام افشاری نوشت: مهار خوب. کامنت پتر چک با استقبال زیاد ایرانی‌ها روبه‌رو شده است.

فصیحی در میان ۵۰ دوندۀ برتر

فرزانه فصیحی، قهرمان دوهای سرعت ایران که در دوی ۶۰ متر کاپ استانبول ترکیه زمان ۷ثانیه ۲۵ و صدم ثانیه ثبت کرد، در رده‌بندی فصل ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ فدراسیون جهانی، در جایگاه پنجاهم دونگان ماده ۶۰ متر قرار گرفت. او تنها زن ایرانی است که در این رده‌بندی قرار گرفته است.

مانه، بهترین بازیکن لیگ برتر

سادو مانه، مهاجم سنگالی لیورپول به عنوان بهترین بازیکن این فصل لیگ برتر انگلیس از نظر اسکای اسپورت انتخاب شد. سادو مانه در ۲۶ بازی در این فصل موفق به زدن ۱۶گ و ثبت ۷ پاس گل شد تا آمار خوبی داشته باشد. در رای‌گیری اسکای اسپورت که هر ساله درباره بهترین بازیکن فصل صورت می‌گیرد او توانست بالاتر از هم تیمی خود جردن هندرسون و برترین پاسور لیگ جزیره یعنی کوین دی بروین در رده نخست قرار گیرد. فرجیل فای دابک و محمد صلاح مصری نیز در رده‌های بعدی قرار گرفتند. رقابت‌های لیگ برتر انگلیس فعلاً به دلیل شیوع کرونا تعطیل شده است.

تلنگر

پایان تلخ عشق یکطرفه

جوان مست که در حادثه تصادف با گازریل باعث مرگ دختر جوانی شده و فرار کرده بود، تسلیم پلیس شد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، ساعت ۵ و ۵ دقیقه صبح ۱۲ فروردین امسال یکی از ماموران کلانتری نبرد با بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران تماس گرفت و او را در جریان مرگ دختر جوانی قرار داد. با دستور وی تیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران به محل حادثه اعزام شدند آنها در بررسی محل حادثه تصاویری به دست شده‌ای، کنار گازریل روبه‌رو شدند که لکه‌های خون روی صندلی‌های آن دیده می‌شد. در جریان تحقیقات اولیه معلوم شد دختر جوانی در این خودرو بوده که مصدوم شده و به بیمارستان شریعت رضوی انتقال یافته اما با توجه به شدت صدمات فوت کرده است. ماموران در بازبینی دوربین‌های اطراف محل حادثه تصاویری به دست آوردند که نشان می‌داد دختر فوت شده همراه پسر جوانی بوده که بعد از تصادف پسر جوان که راننده بوده خودرو را همراه دختر زخمی رها کرده و در حالی که خودش هم زخمی شده بوده از محل فرار کرده است.

ماموران در بررسی پلاک خودروی تصادفی توانستند مالک آن را شناسایی کنند و در تماس با این مرد متوجه شدند که خودرو در اختیار پسر جوانش بوده است. بنابراین با مشخص شدن هویت راننده فراری، دستور دستگیری وی صادر شد تا این‌که وی همراه پدرش به کلانتری نبرد آمد و تسلیم شد. پسر جوان در جریان تحقیقات پلیسی گفت: چندی پیش با دختر فوت شده در فضای مجازی آشنا و به هم علاقه‌مند شدیم تا این‌که چند هفته پیش با هم به مشکل خورده و تصمیم گرفتیم از او جدا شوم، اما او نمی‌خواست به این رابطه پایان دهد. آن شب او سوار خودروام بود و می‌خواستم او را به خانه‌اش برسانم. من مست بودم حال خوبی نداشتم که باهم دعویامان شد. به دلیل سرعت بالا نتوانستم خودرو را کنترل کنم و به گاردریل برخورد کردم. او ترسم و ار در همان حال رها کرده و به خانه بازگشتم بعد از چند روز موضوع را به خانواده‌ام گفتم و به کلانتری آمدم و خود تسلیم کردم.

بازپرس جنایی برای متهم قرار قانونی صادر و پرونده تصادف مرگبار برای رسیدگی به دادسرای محل حادثه ارسال شد.



قربانی اسیدپاشی که یک چشمش نابینا شده است در جلسه دادگاه با گذشت از قصاص درخواست دیه کرد

مرگ مشکوک کارگر جوان در رستوران

کشف جسد کارگر رستورانی در یکی از محله‌های شمال تهران و دست‌نوشته به جا مانده از وی، پلیس را با معمای روبه‌رو کرد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، ساعت ۱۸ و ۴۵ دقیقه ۱۲ فروردین امسال بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران از طریق تماس تلفنی ماموران کلانتری تجریش از کشف جسد جوانی در پارکد طبقه اول کافه رستوران یک مجتمع تجاری در شمال تهران باخبر شد. ماموران پلیس آگاهی پس از حضور در محل با جسد مردی جوان روبه‌رو شدند که آثار ضرب و جرح روی بدن او وجود داشت و ساعتی از مرگ او گذشته بود. همچنین در کنار وی دست‌نوشته‌ای یافت شد که در آن نوشته شده بود «مرگم به خاطر بیماری است اما بیماری‌ام کرونا نیست.» در جریان تحقیقات معلوم شد او کارگر همان کافه‌رستوران بوده که جسد وی با دستور مصطفی واحدی به پزشکی قانونی منتقل شد. در این مرحله صاحب‌کار وی به پلیس آگاهی احضار شد و مورد تحقیقات قرار گرفت. او گفت من صاحب کافه رستوران هستم و جوان متوفی از مدتی پیش برایم کار می‌کرد و شب‌ها نیز همان‌جا می‌ماند. از یک هفته پیش به دلیل شیوع کرونا، رستوران را تعطیل کردیم و کارگرم در همان‌جا ماند. ساعت ۱۷ دیروز حالش خوب بود و نشانه‌ای از بیماری نداشت.

با تشکیل پرونده قضایی در شعبه ۱۱ بازپرسی دادسرای جنایی تهران قرار شد پزشکی قانونی و ماموران پلیس آگاهی درباره علت مرگ او تحقیق کنند.

